

دسته‌های فشار با ایجاد وحشت و تجاوز به کتابفروشیها و جمعیت‌ها به آزادی و به دولت و شورای انقلاب خیانت میکنند و با مپریالیسم خدمت

شنبه

۲۳

مرداد ۱۳۵۸

۲۰ رمضان ۱۳۹۹

۱۴ اوت ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۱۲۹ دوره جدید سال بیستم تكمشماره ۱۵۵ رتال

مهاجمان بامداد دیروز از مقابل دانشگاه هجوم به کتابفروشی‌ها و ستاد سازمانهای سیاسی را آغاز کردند

یکروز وحشت و ناامنی در خیابان انقلاب کتابفروشی‌های اطراف دانشگاه و مغازه‌های خیابان انقلاب دیروز تعطیل شد

نشان دادند

دفتر دانشجویان مبارز یکی از دانشجویان که شاهد ماجرا بود ماجرا را چنین بازگو کرد: «مهاجمین حمله دیروز خود را به چند روزنامه فروشی و کتابفروشی جلوی دانشگاه آغاز کردند. پس از بهم ریختن بساط آنها چند نفری به دفتر دانشجویان مبارز هجوم بردند ابتدا شروع به فحاشی و توهین کردند. آنگاه یکی از میزها را بقیه در صفحه ۸»

● در حمله مهاجمان به زنان بی حجاب دو دختر با چاقو مجروح شدند

سپس راهی دفتر دانشجویان مبارز شدند، بعد از بیرون ریختن جزوه‌ها و نشریات موجود و مصادره اموال آنها به ستاد چریکهای فدایی خلق و سازمان معلمان پیشگام، حمله‌ور شدند. اکثر مهاجمان که مسلح به چاقو و زنجیر و میله فلزی بودند، و کمتر از ۲۵ سال داشتند، در حمله خود کمال خشونت را

به نفت را آتش می‌زدند و بسوی کتابفروشی‌ها پرتاب می‌کردند. عده‌ای نیز قصد هجوم و غارت کتابفروشی‌ها را داشتند. اما مردم جلو این اقدامات را گرفتند. دیروز صبح گروهی مهاجم حرفه‌ای که در آغاز حدود ۱۵۰ نفر بودند، با حمله خود بساط چند روزنامه‌فروشی و کتابفروشی جلوی دانشگاه را بهم ریخته و

بدنبال بخون کشیده شدند. تظاهرات ضد سانسور روز یکشنبه، دیروز نیز خیابان انقلاب از میدان انقلاب تا میدان فرحوسی، در وضعیتی غیرعادی بسر می‌برد. واکثر کتابفروشی‌ها و مغازه‌های دیگر تعطیل بودند و نوازفروشی‌های اطراف خیابان که نوازهای «چی» می‌فروختند مورد حمله قرار می‌گرفتند. مهاجمان می‌گفتند فقط باید نوازهای اسلامی بفروشید. حتی گروهی پارچه‌های آخته

مهاجمان آزادند و آسیب دیدگان در معرض جرم

اول هجوم بردند، پیش چشمان یک شهر، و هزاران تن را، که شعار آزادی بیان با خود داشتند، به پاره‌سنگ و پاره آجر و سائور و چاقو و چوب گرفتند، و گازاشک‌آورها کردند، و بعد تدارک دیدند، و روز بعد - دیروز - به کتابفروشی‌ها، بساطهای کتاب، امتداد خیابان دانشگاه و سازمانهای دانشجویی حمله کردند. و به جیبه دموکراتیک ملی، و ستاد چریکها، گفتند شبانه نیز، مقدم بر برنامه صبح، به اجتماع مجاهدین خلق، یورش بردماند.

مطلب بسیار روشن است. در دوران قدرت رژیم مپریالیستی، چه کسانی بزرگترین آسیب را از رژیم می‌دیدند، و چه کسانی بیشترین ضربه را، به رژیم می‌زدند؟ آیا چریکها و مجاهدان بودند، یا رادیکال‌های دانشجویی که در سال ۵۵ با دعاگویی به «ذات حمایتی» در رادیو و تلویزیون از زندان بیرون آمدند؟ آیا گردانندگان کنونی جیبه دموکراتیک ملی بودند، یا آنها که سر در توبره حوادث مهی و امروز لبنان فروبرده بودند؟ جایی، گره‌کوری، در کار است، متخصصان ضد رژیم، بی‌آنکه بابت ادعاشان، حسابی به مردم پس بدهند، بقیه در صفحه ۷»

انصاف و تقوای علی

فردا، روزی است که علی، چشم‌بر جهان می‌بندد. چشمی که هرگز به دنیا دوخته نشده بود، و جزیه‌روی حق بازنگردید. و فردا، تاریکی مسم، همچون امیری روی اسلام را می‌پوشاند زیرا یک جبهل مرکب، یک نادانی دامگیر سرشته پایاس و نومیدی، را بر روی پیشانی ستم‌هوار ساخت. ماجرای ۱۹ و ۲۱ رمضان، چیزی نیست که با تکرار بیان آنچه رخ داد، از تلاقی آموزش و آگاهی نهفته در درون آن کاسته شود.

علی، مظهر عدالت و انصاف و حقانیت اسلام بود. مظهر اندیشه و بینش محمد، و از زمانی که پیامبر چشم‌بر هم گذاشت، اسلام، چنان پرستاب پروبال گشود که تازمان علی، از سوی انبوه انبوه ثروت در محور حکومت اسلامی انباشته شد، و از سوی دیگر میلیون‌میلیون انسان به خیل اسلام پیوست. و این نویسنده‌ستکان، بیشتر «موالی» و بردگان به حساب می‌آمدند، اگر نه برای صحابه نزدیک محمد، که برای بزرگان قریش و به تقلید آنان برای کسانی از اعراب، که در خدمت ارتش اسلامی به قدرت فرماندهی رسیده بودند. و قانونمندی اسلام، تحت الشعاع قدرتمندی و ثروت‌اندوزی این طبقه جدید قرار داشت.

بقیه در صفحه ۲

کمیته سفارت امریکا تنها نبود

سرانجام، کمیته مرکزی، روز یکشنبه، پس از دو ساعت محاصره و تیراندازی، کمیته مرموز مستقر در سفارت امریکارا، برچید. این کمیته همان سازمانی است که محمدرضا سعادتی را گرفته بود، و چندین روز در شکنجه‌گاه خود، زیر فشار قرارداد بود، و پس از آنکه «سعادتی» را به زندان دادستانی انقلاب تحویل دادند تا چندماه برای آنکه آثار شکنجه، بر بدن وی التیام یابند، اجازه ملاقات با وی، و حتی اجازه مراجعه پزشک به معاینه او داده بودند. این کمیته، همان سازمانی است که در جاده کرج، دو چهره مردانه و مبارز فرد را، شکار کرده بود، و در شکنجه‌گاه خود چند روز نگاه داشته بود، و پس از دو هفته که آزاد شدند از شکنجه‌گاه کمیته نقلیها داشتند.

بقیه در صفحه ۷

کارگران بستری شده آیندگان اعتصاب غذا را شکستند

کارگران بستری شده آیندگان در بیمارستان ۵۰۹ ارتش با دریافت پیامی از شورای هماهنگی نویسندگان کارگران و کارکنان آیندگان اعتصاب سه روزه خود را شکستند. متن پیام چنین است: دوستان: با ستایش از پایداری شما در راه حق طلبی و بقیه در صفحه ۸»

جبهه دموکراتیک ملی: مردم تهران ایران در راهپیمایی روز یکشنبه ثابت کردند صدای آزادی را نمیتوان بهیچ عنوان در حلقومها خفه کرد

و دموکراسی بنمایش گذاشتند. ساعت شش بعد از ظهر در میادگاه آزادیخواهان در جلوی در ورودی دانشگاه، فالانتریسما ایادی و عمالش با کامیون پراز سنگ و آجرش، از پیش موضع گرفته بود، تا به راهپیمایان اجازه حرکت ندهد. ولی هنگامی که با فشار سیل بنیان‌کن جمعیت رو برو شد، باران سنگ و پاره آجر را بروی راهپیمایان رها کرد. موج جمعیت یکدم عقب نشست بقیه در صفحه ۷»

● شعارهای مخالف با استبداد و ارتجاع آسمان را به لرزه در آورد ولی در مقر قدرت هیچ سری از پنجره بیرون نیامد تا دستکم فریاد آزادی را بشنود صدها هزار تن از مردم آزاد تهران امروز دعوت جبهه دموکراتیک ملی ایران و سازمانهای دموکراتیک و مترقی دیگر با تظاهرات عظیم و فراموش نشدنی خود نفرت و انزجارشان را از استبداد، خودسری، قلدری و فالانتریسمر اعتقاد سرسختانه‌شان رابه آزادی

شورای نویسندگان اعلام کرد: بهر شکل ممکن مبارزه قلمی را ادامه می‌دهیم

شورای نویسندگان «آهنگر» در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: بهر شکل ممکن، مبارزه قلمی را ادامه خواهیم داد. متن اطلاعیه‌ی شورای نویسندگان آهنگر چنین است: روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه ۱۳۵۸، یکروز پس از هجوم اصحاب ۳ و یوزی، بروزنامه آیندگان و تعطیل آن روزنامه موج دوم حمله به آزادی قلم، با درج مصاحبه‌گرهای در صفحه ۲ بقیه در صفحه ۲»

دکتر عبدالکریم لاهیجی موج جدیدی از فشار و اختناق بر جامعه حکمفرما شده دولت حق هیچگونه مداخله‌ای را در امر مطبوعات ندارد باقر پرهام: مراحل اختناق مطبوعات به برکت قانون جدید صریح پیش می‌رود.

دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل دادگستری در باره لایحه مطبوعات و هجوم به راهپیمایی جبهه دموکراتیک گفت: در مورد لایحه مطبوعات اصولاً يك دولت موقت و در شرایطی که کشور فاقد قوه مقننه است حق قانونگذاری ندارد و اگر در هر موردی، اعم از مطبوعات یا دادگستری، دولت به امر قانونگذاری بپردازد برخلاف صلاحیت و بقیه در صفحه ۷»

اگر ۳۱ مرداد به خواستهایشان رسیدگی نشود: فارغ التحصیلان بیکار در سراسر ایران دست به راهپیمایی می‌زنند

کانون فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس عالی تهران، کانون فارغ التحصیلان همدان و کانون فارغ التحصیلان بیکار ساری - آمل - میاندوآب - بابل - سنندج - مهاباد - قائم‌شهر - شاهرود - گیلان در بیانیه‌ی خطاب به ملت ایران که رونوشت آن را به نخست‌وزیری - وزارت کار و مطبوعات فرستاده‌اند، اعلام کردند اگر به خواستهایشان رسیدگی نشود در روز چهارشنبه ۳۱ مرداد در سراسر ایران دست به راهپیمایی خواهند زد. بقیه در صفحه ۲»

درگیری امریکا و شوروی در خلیج فارس و اثر این درگیری در ایران و ناحیه (۱)

فشاری که روی قاهره وارد آورد تا هر چه زودتر تسلیم قرارداد دو جانبه با اسرائیل شود، مبتنی بر همین محاسبه بود. و اکنون چندین سال است که در فرماندهی ناتو، و در «پنتاگون» روی تمرکز قدرت غربی سریع انتقال امریکه به خلیج فارس و خاورمیانه، بحث و تصمیم جریان دارد. و همین بحث‌ها بود که مانع شد، امریکه، تن به قبول خالی کردن اقیانوس هند از قدرت جنگی و رقابت‌های استراتژیک بدهد. منافع عظیم امپریالیستی امریکا، که در صحرای عربستان، و در سراسر کرانه‌های خلیج فارس و نیز دریای عمان متراکم شده است چیزی نیست که بتوان آنرا دست

تهران، در قبال برخورد‌های دیپلماتیک امریکا شوروی در خلیج فارس، خاورمیانه خاموش ماند. در حالی که ریشه این برخوردها، در موجی است که سقوط رژیم میلیتاریستی شاه، به عنوان ژاندارم امریکا و ناتو در خلیج فارس و آبهای غربی اقیانوس هند، تا دهانه سوئز پدید آورده است، و همین موج ناشی از سقوط رژیم میلیتاریستی شاه هست که موجب تحولاتی سریع، در استراتژی امریکا گردیده. نگاهی به جوانب امر نشان می‌دهد که امریکا از پنج‌سال پیش، به حساب احتمالی ایجاد خلا، و رها شدن موج‌های بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه، پرداخته بود. و

بقیه در صفحه ۲

دیداری از شورای انقلاب، کمیته‌ها و دولت (۱۳) و پایان کار

در زمینه سیاست خارجی، تنها دوشمار از جانب دولت موقت انقلاب تاکنون داده شده است که دومی راهتوز در مرحله حرف دارند. این دوشمار، یکی فلسطین مظلوم و حق طلب است. و تازگی ابراز تفاهم با کوبا، که میزبان کشورهای غیرمتحد در هفته‌های آینده خواهد بود.

این اندازه نمایش ضدامپریالیستی، و نامتحد بودن، باوجود آن رشته‌های محکم که از نظر سیاسی - نظامی و مالی ایران را، به آمریکا و سپس آلمان غربی، انگلیس و فرانسه بسته است، و نوع ارتباط‌های مبهم که نشان می‌دهد، حرکت وقایع، در همجواری‌ها، همچنان بر اساس برنامه‌های سنتی، و در پارویی موارد شدیدتر است، و این شدت، قسمتهای نیمه مسکوت مانده را در خلیج فارس، تحت الشعاع قرار می‌دهد، برای یک نظام انقلابی، نه تنها کافی نیست، بلکه از تذیب و ترسید شدیدی، در اتحاد سیاست نامتحد بودن نیز حکایت می‌کند. با این اعتبار هست که هماهنگی با دیگر گونی‌های مورد توقع انحصارگران قدرت، حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس، معنای خاص می‌یابد. و شیوه‌های ماجرایی و بی‌بی که در غوزستان، به نام دولت موقت انقلاب و شورای انقلاب، بکار بستند، می‌تواند یادآور ارتباط‌های رخنه گرانه «سیا» و امپریالیست‌ها در پیوند با نقشه‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده سنتی باشد.

دورنگاه داشتن مردم، از حقایق و وقایعی که در استانها می‌گذرد، اعم از غوزستان، کردستان، گرگان و آذربایجان، و حتی بلوچستان و سیستان، و فارس و کرمان و اصفهان، و بالابردن تب تبلیغات مذهبی، جای افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، به صورتی که به وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو و تلویزیون، و مطبوعات «ارشادی» تزریق و تحمیل شده است، یکی دیگر از جلوه‌های رخنه‌گری امپریالیسم در جناح محافظه‌کار و چشم‌پسته انحصارگر قدرت است.

با چنین معجونی، از گسیختگی‌ها و نارسایی‌ها، عاشقان بی‌قرار قدرت مطلقه، چماق بزرگ را فقط بر فرق مردمان آگاه، فرو می‌آورند. و فرق تمام کسانی که برای آگاه کردن مردم از آنچه بر مملکت می‌گذرد، خود را موظف می‌شمارند. و درین صف، همه را با یک چماق یا ساطور به مسلخ می‌رانند.

حالا باید دید، حرکت، به کجا می‌انجامد؟ آیا خطر بزرگ در کمین هست؟ و آیا انحصارطلبان قدرت و عاشقان قیمومت و ولایت بر مردمی که خود دارای آگاهی و تشخیص لازم برای حکومت بر خویش هستند، احساس می‌کنند که دارند به کدام پرتگاه می‌تازند؟

آیا آنها، با چشمانی که چنان در اعماق آسمانها دوخته‌اند، زیر پای خود را و پرتگاه‌هایی را که رخنه‌گران امپریالیسم، پیش‌روشان از هر طرف، بی‌حد و حصر تعبیه کرده‌اند، می‌توانند تشخیص دهند؟ آیا آنها مملکت را، به آسانی یک توپ بسکتبال، دوباره در دستهای حیل‌گر و بی‌رحم امپریالیسم آمریکا قرار نمی‌دهند؟

بسیار دشوار است که خطر به این نزدیکی را، و تنافل رهبری را، در تشخیص آن، بتوان نادیده گرفت، و اینجاست که اگر نیروهای واقع بین جامعه، به خود نیایند، و خودشان را، و مملکت را، در یک هشیاری به موقع، نجات ندهند، آنچه به نام «منظومه انقلاب اسلامی» معروف شده است، همه را و از جمله آرمانهای اسلامی را به پرتگاه سرشته از خون و آتش منطقه‌یی و حتی جهانی رها خواهد ساخت.

پایان

انصاف و تقوای علی

بقیه از صفحه ۱

علی، با این قدرتمندان بود که به نبردی از درون برخاست، زیرا اسلام را، از بیرون کسی تهدید نمی‌کرد، و دشمن خانگی بود که چنین کمر به سرکوب اسلام بسته بود. و سرانجام، دیده شد که دشمن خانگی، در عمل قانع عرصه گردید. و با غروب زندگی علی، ستم و ثروت حاکم سراسر سرزمین اسلامی، و محور قدرت خلافت شد.

اما، دشمنان علی، چه کسانی بودند؟ آنها، دشمنان اسلام و دشمنان مردم بودند که رنگ و جلای اسلامی داشتند. قاضی بودند، سردار بودند، صحابی بودند، و آنچه بر دامنشان نمی‌شد گمان نقش‌بزند، گردی ایمانی بود.

ولی امروز مامی‌نگریم که ایمان علی، رسواکننده بی ایمانی آنها، و انصاف و تقوی و فضیلت علی، مهر سند بی‌تقوایی و بی‌انصافی و بی‌فضیلتی آنان است. و قادر باز، چنین خواهند ماند.

امروز مگر گمان می‌برید چیزی تغییر کرده است؟ آنها که ایجاد پایگاه و جاه و مقام را برای خویش، بر روح مذهب و دین رجحان می‌نهند، و جای آنچه اصلی و بنیادی

ترقی طلا ارزش دلار را کاهش داد.

● ریال در بازارهای بین‌المللی بازمی‌تضعیف شد.

روز دوشنبه ۱۵ مرداد نرخ طلا ۲۸۷ دلار بود روز سه‌شنبه طلا کاهشی به میزان ۳/۲۰ دلار داشت در هفته گذشته روز سه‌شنبه تنها روز سقوط طلا بود، متناسب با آن دلار کانادا نیز کاهش پیدا کرد ولی به انگلیس بخاطر رونق اقتصادی کشور به میزان ۰/۲۰ ریال افزایش یافت.

اما در روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و شنبه شاهد افزایش طلا بودیم. چهارشنبه ۲۸۷/۴۰ دلار پنجشنبه ۲۹۲/۷۵ دلار و شنبه ۳۰۳/۴۱ دلار.

روز چهارشنبه بعلا ترقی طلا سقوط دلار، این ژاپن افزایش یافت و در بازار یک صد ین ژاپن ۰/۱۰ ریال بیش از روز گذشته بفروش رسید. به همین ترتیب در این روز روپیه هندوستان لیره انگلیس و دلار استرالیا کاهش یافت.

روز پنجشنبه با وجود افزایش طلا به قیمت ۲۹۲/۷۵ دلار و کاهش دلار، لیره انگلیس نیز به میزان ۱/۸۰ ریال کاهش یافت و علت این امر وضع بی‌بازار انگلیس در این روز بود روز سه‌شنبه نرخ طلا از مرز ۳۰۰ دلار گذشت و به ۳۰۳/۴۱ دلار رسید به این ترتیب دلار کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت و کلیه ارزهای اروپائی افزایش داشت لیره انگلیس ۱/۷۰ ریال یک مارک آلمان غربی ۰/۲۵ ریال یک فرانک سوئیس ۰/۲۵ ریال یک فرانک فرانسه ۰/۰۵ ریال - یک صد فرانک بلژیک ۱ ریال - یک صد لیر ایتالیا ۰/۰۵ ریال - یک کرون نروژ ۰/۱۰ ریال یک کرون دانمارک ۰/۱۰ ریال نسبت به روز گذشته افزایش یافت.

با وجود ترقی بی‌سابقه طلا در هفته گذشته و سقوط دلار به همین نسبت در بازارهای بین‌المللی، ایران دلار را به همان قیمت ۷۰/۳۵ ریال می‌خرد. در رابطه با این مساله که دلار تضعیف شده است، ریال نیز بعلا و وابستگی با آن نیز تضعیف شده است و تجار ایرانی شاهد کم ارزش شدن ریال می‌باشند.

درگیری آمریکا و شوروی

بقیه از صفحه ۱

کم گرفت. نفت جوشان این منطقه، در شرایط حاضر، فقط نفت نیست، بلکه یک منظومه سیال اقتصادی است که زیربنای سیاست بازرگانی و مالی آمریکا را، در مقام رهبری نظام امپریالیستی غرب، تشکیل می‌دهد.

نفت مجموعه سرزمین‌های این منطقه، در انحصار تر استهای آمریکایی است. و شریکان دیگر از نفت منطقه به اندازه‌یی که در تقسیم جهانی منافع امپریالیستی نصیب آنها می‌شود، سهم می‌برند، و قیمت نفت، به دلار محاسبه می‌گردد. و دلار، در مجموع تنظیم کننده بانک و پولی منافع و سهم آمریکا و سایر کشورهای عضو باشگاه جهانی امپریالیسم است. و درین نوع رابطه است که درآمد کشورهای صاحب نفت بطور اسی، بالا می‌رود، بی‌آنکه در اصل، بر توافق زیر بنایی در «آژانس بین‌المللی انرژی»، خدشه‌یی وارد آورد. و در عمل، همراه بدنامی کشورهای صاحب نفت، در لتهای غربی، و تر استهای نفتی از افزایش قیمت نفت سود برمی‌دارند. قسمت عمده و اصلی ذخیره دلاری کشورهای صاحب نفت، و فرمانروایان دست نشانده یا وابسته سرزمین‌های نفتی، در آمریکا، و نزد انحصارهای مالی و تر استهای گوناگون این کشور، متمرکز می‌شود. و از طریق ایجاد شرایط وابستگی مطلق، در صنعت و کشاورزی، و حتی خدمات، تمام پول نفت که باید به مصرف سرمایه‌گذاری در سرزمینهای بومی برسد، به صورت بازپرداخت وامهای خرید تسلیحاتی، ایجاد صنایع موثر تسلیحاتی، حقوق و مزایای کارشناسان و مستشاران، تامین خواربار، و تهیه کالاهای مصرفی، و یا کالاهای نیم ساخته مورد نیاز صنایع وابسته، از این کشورها خارج می‌شود، و در درجه اول به آمریکا سرازیر می‌گردد، و سپس بر اساس جدول بندی شبکه‌یی، به سایر کشورهای عضو باشگاه امپریالیستی.

به این اعتبار، اگر مجموع پولی که غرب برای نفت به ناحیه خلیج فارس سرازیر می‌کند، بین هفتاد و پنج تا هشتاد میلیارد دلار باشد، گردشی که این رقم، در نظام امپریالیستی غرب دارد، تا چهار برابر می‌تواند افزایش یابد، که در گردش جهانی سرمایه یک رقم پایه و بنیادی است.

و به این ترتیب است که در مشی امپریالیستی آمریکا، برای ناحیه خلیج فارس و غرب اقیانوس هند، کوچکترین احتمال نرزش و سازش با گرایش‌های ملی و مردمی ناحیه وجود ندارد. و بزرگترین اشتباه سیاسی و نظامی آنست که واقعیتی چنین آشکارا نادیده بگیریم. ناتمام

است، به قروح آسانی همت مصروف می‌سازند، از همان راه می‌روند که متظاهران دوران علی می‌رفتند از زن پیامبر، تا افراد صحابه، و تا سرداران، و حتی منسوبان. و راه کج آنها، اسلام را تسلیم بنی‌امیه کرد. خوب بیندیشید اینان که امروز براسب مراد سوارند و می‌تازند، از کدام بیراهه می‌روند، و با دین و با مردم و مملکت چه خواهند کرد؟ و کاش اگر زمان معجزه‌های است، سبایه معجزه بر سرشان افتد و به یاد آورند که از علی چه چیزها را باید آموخت. و این آموزش برای آنهاست و نه برای مردم عادی.

مبارزه قلمی را

بقیه از صفحه ۱

اول یکی از روزنامه‌های عصر تهران، خبر از توقیف هفته‌نامه آهنگر داد. پس از هجوم چماقداران اختناق به روزنامه آیندگان، توقیف آهنگر، که با روش آزادیخواهانه و ضد دیکتاتوری خسار چشم «انحصارگران انقلاب‌خواه» بود، قابل پیش‌بینی مینمود، اما ظاهرا چماقداران، حمله به صندوق پستی آهنگر را فاقد اهمیت لازم دانسته بودند، برای اعلام توقیف آهنگر، به یک مصاحبه‌گونه چند خطی، آنهم فقط در یک روزنامه اکتفا کردند و بدین ترتیب نوع «اختناق بدون دخالت دست» را در مورد آهنگر به نمایش گذاشتند.

دادستان کل انقلاب سابق (که از قضای روزگار برابر خبر های منتشر شده، در همان روز چهارشنبه هم «سابق» بوده است) در آن مصاحبه‌گونه می‌گوید «روزنامه آهنگر نیز که بدون مجوز منتشر میشد پس از این حق انتشار ندارد».

ما نمیدانیم مراد ایشان از «مجوز» کدام مجوز است. اگر همان مجوزهاییست که در رژیم طاغوتی صادر میشد و در قانون مطبوعات دوران انقلاب ضد طاغوتی ما هنوز معیار انتشار روزنامه است باید باطلاع دادستان سابق برسانیم که آهنگر مجوز دارد و برابر با مفاد تبصره ۱ ماده ۱۱ «حق قانونی مصوب ۲۰۵۵ مطبوعات» این مجوز به اعتبار خود باقی است و ایشان نباید آهنگر را در ردیف روزنامه های بی‌امتیازی نظیر «جمهوری اسلامی» و «انقلاب اسلامی» و امثال آنها قرار دهند. اما اگر منظورشان از «مجوز»، گرفتن اجازه از شخص ایشان است، اعلام میکنیم که ما آزادی را از ایشان نگرفته‌ایم که برای استفاده از آن به مجوزشان احتیاج داشته باشیم. یادآوری می‌کنیم که وقتی ما آزادی را از قید مجوزهای شاه خارج می‌کردیم ایشان و دوستانشان با قریباغی مشغول مذاکرات «مسالمت‌جویانه» بودند و هنگامیکه ما پلیس و گارد جاویدان شاه را بزانو در آورديم، ایشان تازه از خواب خوش سر بر داشته بودند و خمیازه کشان به ارتش شاه می‌گفتند «کاری نکنید که اعلام جهاد کنیم».

آقای دادستان سابق کل عمل جلوگیری از انتشار روزنامه «بی‌مجوز» آهنگر را عینا همان کلی‌گویی‌هایی ذکر کرده‌اند که در بخشی از ادعایشان نسبت به آیندگان ذکر کرده بودند. اگر مراد ایشان از آن جملات مبارزه آهنگر با امپریالیسم، با دیکتاتوری، با فاشیسم و با ارتجاع است، ما زبان راز آمیز ایشان را می‌فهمیم و با اطلاع از اینکه کجا دارد میسوزد، ارتکاب به این مبارزات را قبول داریم و تا آخرین نفس نیز بهین راه خواهیم رفت و با استفاده از کله امکانات موجود و بهر شکل ممکن مبارزه قلمی خود را ادامه خواهیم داد. ما زندان ندیده نیستیم که از تهدید ایشان به توقیف، سداخر اخلالی کنیم. حمایت بی‌درنگ نیروهای مترقی و زحمتکشان آزاده ایران پشتوانه مبارزه ما با دیو اختناق و سانسور است.

فارغ التحصیلان

بقیه از صفحه ۱

در اطلاعیه آمده است: آنچه مسلم است روز بروز به تعداد بیکاران پدر سراسر کشور اضافه می‌شود و می‌رود مشکلات بزرگی ببار آورد. دولت موقت ابتدائی ترین حقوق این قشر را که کار می‌باشد نادیده گرفته و عملا رود روی جوانان بیکار قرار می‌گیرد و نه تنها در جهت حل این مشکل برنامه‌ای ندارد بلکه به قوانین ضد خلقی دولتهای شریف امامی و از هساری صده می‌گذارد و هر روز شاهد تهاجمات چماق بدستان به دشمن و راهپیمایی اعتراض آمیز بیکاران به این مسئله در سراسر کشور هستیم دولت در این مورد با مسکوت خود این اعمال را بطور ضمنی تأیید می‌نماید. ما ضمن تشکیل کفترانی (۹۰۸ مرداد ماه ۵۸) با شرکت نمایندگان کانون‌ها و اتحادیه های سراسر کشور در تهران خواسته‌های بحق خود را در یک قطعنامه ۸ ماده‌ای اعلام می‌داریم و تحقق خواسته‌هایمان را از دولت مصرانه خواهیم.

۱- لغو بخشنامه منع استخدام کشوری.

۲- اخراج و عدم استخدام خارجیان در مؤسسات رجاگزینی بیکاران (فارغ التحصیلان و کارگران) داخل کشور.

۳- پاکسازی و اخراج کلیه عوامل وابسته به رژیم گذشته از ادارات و موسسات.

۴- بازتخته کردن هر چه سریعتر افراد شاغل بسابقه کار ۲۵ سال خدمت و بالاتر و بکار گماردن بیکاران (فارغ التحصیلان و کارگران) از طریق تشکلات کانونها و اتحادیه‌های فارغ التحصیلان و شوراهای واقعی در سراسر کشور.

۵- لغو قوانین استخدامی سابق (امتحان ورودی-مصاحبه-سابقه خدمت) و طرح و تدوین قوانین استخدامی جدید طبق نظر کانونها و اتحادیه‌های فارغ التحصیلان و شوراهای واقعی در سراسر کشور.

۶- یک شغلی کردن کارمندان و کارکنان موسسات و تامین نیازمندیهای مادی آنان.

۷- حق داشتن کار و پرداخت حقوق ایام بیکاری و ایجاد بیمه بیکاری و منظور کردن آن در قانون اساسی جدید.

۸- ارائه تصویری روشن در مورد برنامه‌ریزی اقتصادی (سنتی-کشاورزی) از طرف دولت برای جذب کلیه بیکاران در سطح کشور از نظر کوتاه مدت و دراز مدت با ذکر زمان اجرایی برنامه و تعدادی که از طریق این برنامه جذب مراکز کار می‌شوند.

چنانچه خواسته‌های مشروحه فوق تا تاریخ ۵۸/۵/۳۱ به مرحله اجرا در نیاید بعنوان اعتراض باین موضوع در سراسر کشور دست به راهپیمایی خواهیم زد. راهپیمایی تهران ۱۰ صبح همان روز از برابر وزارت کار آغاز خواهد شد.

مفقود شده

سند مالکیت اتومبیل فولکس شماره شهربانی ۳۷۵۸۳ ط بشماره موتور ۷۲۸۶۱۹ مفقود گردیده از پاینده تقاضا میشود بشماره ۷۵۰۶۳۷ اطلاع دهد.

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه

قانون اساسی، در برابر افکار عمومی

پیام امروز از صاحب نظران برای بیان نظر در مورد متن طرح شده قانون اساسی دعوت می کند

(۲)

نظر شما نیست به پیش نویس قانون اساسی چیست؟
ج- پاسخ تفصیلی به این سؤال فرصت زیادی را می طلبد. اما آنچه که سواى فرصت کوتاه می توان بیان داشت، اینست که پیش نویس قانون اساسی که سند پیروزی خلق در انقلاب سند حاکمیت کارگران، زحمتکشان دیگر اقشار خلقی، بلکه سند خیانت بورژوازی حاکم به انقلاب و خلق ما سند پیروزی بورژوازی بر خلق، سند سازش بورژوازی و هیات حاکمه با امپریالیسم می باشد و پاسخی خواهد بود به منافع تنگ نظرانه و واپس گرایانه خرده بورژوازی. از این رو هیچ وجه نباید به آن آمیدی بست، نه آمیدی به آن، و نه آمیدی مصاحبه مطبوعاتی با ۷ سازمان ائتلافی از کنفرانس وحدت

آشنائی با نظرات ۷ گروه ائتلافی از کنفرانس وحدت درباره مجلس خبرگان و قانون اساسی

دولت موقت قول و قرارهایش را درباره تشکیل مجلس مؤسسان زیر پا گذاشت

هنوز برای مردم ما محرمانه است چرند به لغو آن قراردادها. اکنون ببینیم پیش نویس قانون اساسی در مورد دیگر خواست خلقها یعنی آزادی چه میگوید؟ واضح آنست که استقلال و آزادی دو جزء لاینفک از هم هستند، استقلال بدون آزادی و آزادی بدون استقلال معنائی ندارد. بنابر این از هم اکنون میتوان فهمید آزادی که در زیر وابستگی اقتصادی به امپریالیستها باشد چه نوع آزادی خواهد بود، آزادی برای استثمار شدن آزادی برای سرکوب توده ها توسط بورژوازی

به مجلس تصویب کنند. آن. پیش نویس قانون اساسی، بدون شک قانون اساسی ای که از مجلس «خبرگان» بیرون آید. به هیچیک از اهداف و خواستهای اساسی خلق ما در مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی و قیام بهمن پاسخ نخواهد داد. مبارزه و قیام توده های مردم ما اهداف سه گانه ای را دنبال می کرد. این اهداف عبارت بودند از استقلال، آزادی و تامین رفاه اجتماعی. آن قانون اساسی ای میتواند محصول بحق مبارزه مردم و منعکس کننده خواستهای انقلابی زحمتکشان باشد که راه تحقق اهداف سه گانه و مرتبط فوق را می گوید و آنها را برسمیت می شناخت، در حالیکه پیش نویس قانون فعلی بر اهداف فوق پرده ساطع می افکند. و به همین دلیل هم باید در «غیاب» توده ها و توسط جمعیت «خبرگان» بررسی و تصویب گردد، گفتیم که پیش نویس قانون اساسی به اهداف مبارزات و قیام توده ها و قومی نمی نهد. در زمینه اهداف ضد امپریالیستی انقلاب، حتی کلماتی در متن قانون اساسی گنجانده نشده است، در همین رابطه مسئله مصادره و ملی کردن سرمایه ها، صنایع وابسته که ملی سالیان دراز مردم ستمدیده ما را به خاک سیاه نشانده است، به فراموشی سپرده شده. در مورد چگونگی حل مسئله ارضی، این عاجل ترین مسئله دهقانان ایران نیز وضع از همین قرار است، در زمینه حقوق خلقها و حق خودمختاری در چارچوب ایرانی

طرح مقدماتی جاما

(۶)

به این مقدمه دیده میشود که اصل ۲۳ پیش نویس قانون اساسی با روح اسلامی در تعارض است، چون این اصل تعرض به عقیده و حیثیت افراد را به حکم قانون با صراحت روا میدارد و با اصل ۳۷ همین پیش نویس که لطمه به حیثیت انسانی زندانیان و بازداشت شدگان را قدغن میکند در تناقض قرار میگیرد؟

بررسی پیش نویس قانون اساسی بر مبنای نظام شورائی

«مکتب یا ایدئولوژی»

اسلام در عین حالیکه خود را به عنوان يك ایدئولوژی مطرح میسازد و بهترین آنها چون میگوید: (ان الذین عندالله الاسلام) (آیه ۱۷ سوره آل عمران) و نمی خواهد آنها بدیگران تحمیل کند به دلیل اینکه میگوید (لا کراهی الدین قد تبین الرشد من الغی) (آیه ۲۵ سوره بقره) هیچگونه اکراه و اجباری نیست در قبول عقیده در دین اسلام زیرا راه راست روشن گردیده و راه گمراه هم نشان داده شده است. آنچه زشت تر از گمراهی است عبارتست از تحمیل عقیده چون گمراه ممکن است با وجود آزادی راه صواب را برگزیند در صورتیکه اگر «تحمیل عقیده» جایز شمرده شود اصولا آزادی فکر کردن در خطر خواهد بود در نتیجه مسلمان نمی تواند در برابر صاحب عقیده متفاوت یا مخالف حساسیت نشان دهد دمکراسی یعنی تحمل عقیده متفاوت

دمکراسی پارلمانی یعنی حاکمیت اکثریت مردم نظام شورائی یعنی حاکمیت همه مردم در دمکراسی پارلمانی اکثریت نیز حق نفی حقوق ذاتی و بشری اقلیت را ندارد. اکثریت یا همه مردم حق ندارد کسی را حق بیان حق حیات ... خود محروم سازد.

نقی سانسور

فشر عبدالذین یستمون القول فیهمون احسنه - آیه ۱۹ رزم. پس بشارت ده آن بنگرانی که گفتار را می شنوند و بهترین آنها پیروی میکنند. این آیه نفی کامل سانسور است و باید مورد توجه شورای رسانه های گروهی در تدوین دکترین عمل ایشان قرار بگیرد. فراهم آوردن زمینه برای ابراز عقیده متفاوت تا امکان انتخاب بهترین میسر گردد. اصل آزادی در انتخاب و قبول مسئولیت که اساس

انجمن های شهر سابق نخواهد بود. این شوراها فقط در چارچوبی که حکومت مرکزی و یا هیات حاکمه آن را تامین کند می تواند فعالیت کند و اساسا با شوراهای واقعی زمین تا آسمان فرق دارد.

۳- آزادی زنان، قانون اساسی نه تنها در باب آزادی زنان یعنی نیمی از جمعیت فعال ایران سکوت میکند بلکه عملا تبعیض جنسی و مردسالاری را تأیید مینماید. این کلی گویی که «روابط زن و مرد باید معنای طهارت و تقوا و ارزشهای والای انسانی قرار گیرد» «اصل ۱۱» گریبان خود را از معلوم گرداندن حقوق زنان رها ساخته و اشاره ای هم به حقوق مساوی زوجین نمی نماید. و بدین ترتیب و برطبق روال احکام شرع حق تعدد زوجات را برای مرد حفظ نموده و حق طلاق را نیز در انحصار مرد قرار میدهد. درباره حقوق زنان، تهیه کنندگان قانون اساسی خواسته اند با زرنگی تمام از مشخص گویی و از بروز اندیشه های تبعیض گرایانه خود طفره ببرند.

در زمینه استقلال

پیش نویس قانون اساسی اشاره ای به مصادره و ملی کردن سرمایه های امپریالیستی و وابسته نمیکند و حتی راه را برای دادن امتیازهای انحصاری باز نگه میدارد و بدین ترتیب بندهای وابستگی اقتصادی-سیاسی- نظامی وابستگی ای که از استقلال فقط کاریکاتوری بجای می گذارد - دست نخورده باقی میماند.

در اصل ۶۰ پیش نویس قانون اساسی آمده است: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها، موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است» و بدین ترتیب فریادهای استقلال طلبانه و مبارزات مردم را برای اینکه بر منابع و ثروتهای ملی خود حاکمیت داشته باشند به ریشخند میگرد.

جالبست! یکروز وقتی از دولت و هیات حاکمه می پرسیدند، چرا دست سرمایه داران خارجی و وابستگانشان را از میهن ما کوتاه نمیکند، پاسخ داد «ما موقت هستیم، صبر کنید» و امروز در پاسخ بما میگویند اگر بخواهیم «امتیاز» تشکیل شرکتها... را به کسی بدهیم حتما به «تصویب مجلس شورای ملی» خواهیم رساند.

مردم ما برای بدست آوردن استقلال اقتصادی سیاسی- نظامی و قطع سلطه انحصارگران داخلی و خارجی، هزاران شهید و مجروح و زندانی... داده اند امروز آقایان نویسندگان پیش نویس قانون اساسی و فردا آقایان «خبرگان» میگویند ناراحت نباشید، اگر خواستیم باز هم «امتیاز» بدهیم و منابع ملی را در اختیار این یا آن «انحصار» قرار دهیم حتما از «مجلس شورا» خواهیم گذراند.

تمسخر آرمانهای مردم بهتر از این نمیشود!

اصل ۲۶- تشکیل احزاب، جمعیتها، انجمن های دینی و سیاسی و منفی آزاد است مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، شرکت افراد در اینگونه گروهها آزاد است و هیچکس نمی توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت دیگری از این گروهها مجبور ساخت.

این تشخیص نقض به عهد کیست؟ کدام مرجع برای آن تعیین شده است؟

کلمه گروه قابل توجه و تفسیر است!

اصل ۳۰- سلب تابعیت اشخاص فقط در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد.

بررسی پیش نویس قانون اساسی بر مبنای نظام شورائی

اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین و به تابعیت ایران در آیند. جامعه اسلامی باید پناهگاه کلیه مردان صاحب عقیده باشد که بایمعدالی و اختناق در ستیز هستند در نتیجه پناهندگی سیاسی اصل اخلاق جامعه است.

شورای قسط و بررسی اصول مربوط به آن

این شورا مرکب خواهد بود از متخصصین علوم اجتماعی و اقتصادی والهی به سبب زیر:

سه تن از میان مراجع تقلید کاندیدای جامعه روحانیت و چهار نفر از میان علماء و متخصصین دیگر، این شورا در بدو تشکیل توسط شورای ملی انتخاب شده و مستقیما در برابر مردم مسئول خواهد بود ولی بعد از قوام گرفتن نهاد و ثبوت کارائی آن مستقیما از جانب مردم انتخاب شده و در برابر مردم هم مسئول خواهد بود. وظایف شورای قسط:

اهدای اقتصادی جمهوری اسلامی اگر تحقق این شعار های انقلاب باشید «استقرار جامعه بی طبقه توحیدی» یا «نهی استبداد، استثمار، استثمار: به منظور تحقق بخشیدن به این اهداف اقتصادی جامعه از توجه به صلاح و صرفه فرد و جمع) انتخاب راه و وسیله اصلاح بین طرق و وسائل موجود با شورای قسط می باشد. ارائه طریق به منظور ایجاد نهاد های اقتصادی نوین و یا کشف نقاط ضعف و نقاط قوت موجود و راهنمایی برای برطرف نمودن مشکلات آنها و از میان برداشتن رابطه استعماری انسانها که ممکن است در موسسه ای نهاد سازی شده باشد.

دمکراسی است میتواند از این آیه نشات بگیرد و برای مردم مقبولیت عام و توده ای پیدا کند.

اصل ۲۴- در این اصل ممنوعیت بازرمی و استماع مکالمات تلفنی دوبار و بادو عبارت گفته شده است این تکرار میتواند موجب «تفسیر معارض» گردد به علاوه معلوم نیست که دامنه آن به حکم قانون مندرج در ذیل اصل تا کجا شمول می یابد.

اصل ۲۵- هر چند آزادی مطبوعات را اعلام کرده است ولی بهتر است عدم ضرورت ممنوعیت همه مقامات در جلوگیری از انتشار مطبوعات تصریح گردد، به علاوه باید این اصول شامل سایر وسائل ارتباط جمعی نظیر مینما و تئاتر و رادیو نیز بشود. وقتی نویسندگانی دچار خطائی شد او است که باید مورد تعقیب قرار بگیرد نه اینکه يك

موسسه بزرگ روزنامه مجبور به تعطیل بشود.

اصطلاح مکر به حکم قانون که در پایان اغلب اصول مربوط به حقوق ملت اضافه میگردد انسان را به فکر وامیدارد چون او اغلب ظلم وستم و تجاوز به حکم قانون اعمال میگردد و این قوانین در زمینه های هستند که مدافع منافع طبقاتی هستند تا با این قوانین می توانند اصول اسلامی را هم نقض کنند در صورتیکه جواب نه باشد پس اصل ۲۳ در خصوص مسکن نیز نمی تواند به حکم قانون محدود گردد.

آیه ۲۷ سوره بقره خودداری از محدود ساختن اصول اسلامی در خصوص تعرض ناپذیری مسکن، آزادی عقیده و این که حیات عقیده است و جهاد برای آن مهم است و نافع محدود ساختن بردستور های اخلاق اسلام میگردد.

اصل ۴۵- مطبوعات در نشر مطالب و بیان عقاید آزادند مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی و یا توهین به شعائر دینی و اتمام و افترا و تعرض به شرف و حیثیت و آبروی اشخاص.

و نه نیستند «عفت عمومی» و «شعائر مذهبی» مبهم هستند. مخالفت با سنده دن و زنجیر زدن مخالفت با شعائر دینی است.

اصل ۱۵۰- «وسائل تبلیغ عامه (رادیو و تلویزیون) که دولتی هستند، آزادی انتشار اطلاعات باید تامین باشد. این رسانه ها تحت نظارت مشترك قوای سه گانه اداره خواهند شد. قریب آنرا قانون معین میکند» مطبوعات که در قانون قدیم مورد توجه بود از رکن چهارم تنزل کرده است، قوانین اساسی در رابطه با تحول جامعه، در تغییر است و برای يك برهه از زمان است. با توجه به این تکامل و تحول جامعه و با توجه به اینکه در قانون اساسی رژیم سابق مطبوعات به عنوان رکن چهارم مطرح بوده حالا نمی تواند زائده قوه اجرائیه باشد.

مقالات

- دانشگاه در جوامع وابسته به امپریالیسم، شاخک تزریق فرهنگ امپریالیستی است.
- پایه آموزش نوین باید بر نیازهای اقتصادی - اجتماعی خلق استوار باشد.
- راه حل کتابهای درسی در اصلاح آنها نیست، بلکه در دورریختن آنهاست.
- مدارس جوادیه تهران سه نوبتی است و تاکنار تخته سیاه شاگرد چیده میشود.

● آموزش ملی چیست؟

مدارس (ملی) یکی از پدیده‌های آشکار نظام آموزشی طبقاتی است که بوسیله پول بین امکانات آموزشی گروه‌های مرفه و زحمتکشان خط فاصل میکشاند و مرزبندی میکند هر دولتی که در حفظ سیستم طبقاتی نظام آموزشی اصرار ورزد ماهیت طبقاتی خویش را نشان داده و در برابر منافع زحمتکشان جبهه گیری کرده است.

نام گذاری این مدارس بنام ملی سرپوشی است جهت فریب مردم و سوء استفاده از علاقه مردم به تأسیسات خلقی. این مدارس نه ملی‌اند و نه در جهت منافع زحمتکشان، بلکه خصوصی و سوداگرند خصوصی‌اند از این نظر که کسانی که پول دارند میتوانند وارد این نوع مدارس شوند سوداگرند از این نظر که صاحبان آنها به منظور سودجویی این مدارس را تأسیس کرده‌اند و خانواده‌های مرفه با سرمایه گذاری برای آینده فرزندان خویش آنها را برای ادامه حاکمیت طبقه استثمارگر بر زحمتکشان آماده میکند.

● مسائل آموزشی ایران:

از نظرها مسائل آموزشی ایران در ارتباط مستقیم با وابستگی اقتصادی و فرهنگی نظام امپریالیسم جهانی است که پارهای از نمودها و مظاهر آن بشرح زیر است:

کتابهای درسی، مسئله ملیت‌ها و شوونیسم غالب بر فرهنگ خلق های ایران، عدم کاربرد آموزش موجود در جریان زندگی فردی، اجتماعی، منطقه‌ای و ملی، یکسوفکری و فقر محتوای کتابهای درسی و سعی در مسخ اندیشه و توجیه منافع طبقه حاکم و ایجاد کساد لازم جهت ادامه غارت و غلبه مسموم بودن آن با زندگی توده‌ها، عدم ارتباط علمی بین مدرسه، دانشگاه و جامعه، عقیم گذاشتن استعدادها و بالقوه فرزندان زحمتکشان جامعه به جهت طبقاتی بودن نظام آموزشی، تضاد بین سطح امکانات آموزش شهر و روستا از یکطرف و زنی مرد از طرف دیگر و تضاد بین امکانات آموزشی قشرهای جامعه شهری که به صورت مدارس ملی نمود میکنند و از طبقاتی بودن نظام آموزشی منشاء میگیرد، تکیه نظام آموزشی بر پرورش نیازهای دموکراسی حاکم بر جامعه به عنوان بخشی از ابزار نفوذ امپریالیسم و بریدن ارتباط این انسان از فرهنگ زحمتکشان، اسیر کردن معلم در چنبر فقر مادی و نیازهای اولیه تا قادر به درک و بررسی مسائل جامعه نشده و به خلاقیت نرسد و هدایت آموزش به سوی پرورش انسان تک بعدی مصرفی، تکیه برگذشته گرائی بشرطی که در توجیه نظام وابسته مفید بوده و به ادامه اسارت زحمتکشان کمک کند، سعی در نابودی هویت فرهنگی و بر اعتمادی به شخصیت انسان بومی در لابلای کتاب های درسی و سعی در مشروعیت دادن به فرهنگ امپریالیستی و ایجاد حیثیت نسبی به آن، تمدن توسعه کمی در رشد کیفی جهت ایجاد آمار برای فریب توده‌ها، ایجاد امکانات آموزشی بر قشرهای مرفه و مخفی کردن طبقاتی بودن نظام در پوشش مدرک گرائی، سعی در زودن خصلت قومی و ملی خلقهای ایران.

● مسائل بنیادی آموزش چیست؟

ملاحظه شد که بررسی مسائل مدارس ملی يك سلسله مسائل آموزشی را مطرح میکند که با هم رابطه ارگانیک دارند و بنظر می رسد که تحلیل يك جزء از نظام آموزشی بدون شناخت کل نظام نتیجه مطلوب نخواهد داد. يك جزء از نظام ضمن اینکه عملکرد خاصی دارد در رابطه با کل نظام ماهیت عملکردش دقیق تر شناخته میشود و اگر تنها به جزئی از مسائل روئینائی توجه شود شناخت نارسا خواهد بود. بنابراین به ضرورت شناخت نظام آموزشی در پیوند با نظام اقتصادی اجتماعی حاکم بر جامعه بیشتر پی می بریم. بعبارت دیگر شناخت نیروهای موجود در جامعه و روند تحولات آن و تجزیه و تحلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی طبقات جامعه، ماهیت نظام حاکم را روشن کرده و به شناخت نظام آموزشی امکان خواهد داد در بین مسائل آموزشی که بر سر دیم عامل وابستگی و طبقاتی بودن شکل غالب و محوری داشته و به سیستماتیک بودن مسئله معتقدیم و همه آن مسائل در رابطه با مسئله بنیادی بوده و تاثیر و تاثیر متقابل آنها یقین داریم.

نظام آموزشی ایران طبقاتی است و از طریق مدارس ملی و تحصیل در خارج از کشور امکانات آموزشی مناسب در اختیار طبقه حاکم بوده و مکانیزمهای درونی آموزش که درباره آن صحبت خواهد شد، طوری عمل میکند که اگر از قشرهای زحمتکش به نظام آموزشی راه یابند هر چه به سطوح بالاتر بیایند نابرابری ارزشها و تفاوتهای رفاهی خانواده‌ها و آموزش خارج از مدرسه و تطبیق محتوای آموزشی با ارزشهای قشرهای مرفه و تضاد آن با ارزشهای طبقه زحمتکش و محرومیتبای مادی و مسائل حاصل از آن دست بدست هم داده و در کیفیت آموزش هر طبقه اثرات متضاد میگذارد و حتی آزمونهای مساوی برای دانشگاه و هر رده دیگری مافند دموکراسی بورژوازی پوششی برای فریب زحمتکشان خواهد بود.

امپریالیسم با نفوذ همه جانبه در فرهنگ و سداگامی توده‌ها در گسترش جهت اقدام میکند و برای کنترل حرکت تکاملی جامعه وامانده ترین نیروها را به آموزش جذب میکند و میاست سواد آموزی همگانی را در جهت جذب مردم به اقتصاد وابسته بکار می برد ، و از طریق قشر دلال وابسته فرهنگ خاص خویش را بعنوان فرهنگ نوین از طریق دانشگاهها و مدارس گسترش میدهد و بعلت محدود بودن بورژوازی ملی در جوامع وابسته دست به تخریب فرهنگ سنتی می زند، و تولیدات بومی و صنایع دستی و امکانات کشاورزی را نابود نموده تا با آزاد کردن نیروهای شاغل در بخش کشاورزی و به بند کشیدن آنها در زنجیر صنایع وابسته از طریق تزریق باصطلاح فرهنگ نوین به نظم خاصی که مطابق برنامه پیش بینی شده است وابستگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را تکمیل میکند و از طریق کتابهای درسی فردگرائی، روشنفکرپازی، تحقیر زنان، لاقیدی، اختلافات اجتماعی ناشی از سن و قضا و قدرگرائی که از فرهنگ فتودالی گرفته است، رواج میدهد در این جوامع با آمیزش ناهنگون فرهنگ فتودالی، بورژوازی و فرهنگ پالسیه مسلط متروپل روبرو هستیم که تضادهای درونی فرهنگ امپریالیستی نیز به این جوامع منتقل میشود.

در این جوامع دانشگاهها و مدارس و بخصوص مدارس ملی در جهت تأمین کادر بوروکرات و نیروهای ماهر و نیمه ماهر برای صنایع وابسته عمل میکنند. دانشگاه بصورت منبع اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت آماری کشور متروپل بوده و شکاف بین توده‌ها و طبقه حاکم را عمیقتر می نماید و انسانهایی بیرون میدهد بی هویت و بیگانه از فرهنگ خویش و بیزار از کاریدی. و دل به دنیای غرب دارد و خود را تافتنچینا بافته از خلق میدانند باین طریق دانشگاهها در جهت منافع زحمتکشان عمل نمیکند بلکه شاخک تزریق فرهنگ امپریالیستی جهت ایجا زمینه غارت است.

محتوای آموزش نیز از غرب تغذیه میشود و مطالعه و شناخت نیازهای اقتصادی و اجتماعی خلق مطرح نیست و کتابهای دبیرستانی شکل مسخ شده و بی شاخ و دم کتابهای دانشگاهی است و ساخت فکری جوانان را در جهت خواست طبقه حاکم شکل میدهند و مؤلفان کتابهای درسی اولا تحصیل کرده غرباند ، ثانيا از فرهنگ خلق بیگانه اند و به پایگاه طبقاتی خویش دلبسته اند و از آن الهام میگیرند، ثالثا منابع و الگوهای مورد استفاده آنها ربطی به نیازهای جامعه ندارند ، و در نهایت شاخه‌ای از فرهنگ غرب را تدارک دیده و قسری را که از طبقه مرفه اند جهت ادامه حاکمیت طبقه خویش آماده میکنند و اگر از قشرهای مرفه و تحصیل کرده کسانی باشند که به نتایج علمی عالی برسند در این سرزمین و برای این خلق کاربرد ندارند . چون بنیاد آموزش بر اساس نیازهای جامعه نبوده در نتیجه جذب بازار غرب شده و امپریالیسم از این طریق به غارت منابع انسانی کشورهای عقب نگه داشته شده دست میزند و غارت اقتصادی را تکمیل میکند و از این طریق همه سرمایه گذاری آموزشی یا باین صورت به غرب میبرد یا به قشر بوروکرات و دودر از نیازهای غرب و پشت میز تبدیل میشود که رابطه اش با کار و عمل بریده است .

پس اینکه تحصیل کرده‌های ما فرار میکنند نتیجه ساخت آموزشی است ، نتیجه محتوایی است که میدهم یعنی افرادی تربیت می کنیم که با فرهنگ و مسائل و دردهای توده‌ها بیگانه اند . بدون تخریب این ساخت و محتوا نمی توان جلوی فرار مغزها را گرفت این فرار مدتها است آغاز شده و ادامه خواهد داشت و این غارت سرمایه گذاری آموزشی بوسیله امپریالیستها است «آقایان» هوشیار باشید به جنگ معلولها نروید ، ریشه را خشک نمائید .

در جامعه وابسته به آموزش بطور حسابگرانه برخورد میکنند و درصدی از توده رابه آموزش میکشند که در صنایع وابسته نیاز دارند و حلی آباها را رونق میدهند ارزشهایی را تلقین میکنند که وابستگی را تضمین نماید .

● روشهای آموزش

در حال حاضر بیش از ۱۸ میلیون نفر از زحمتکشان و فرزندان شش سال به بالای آنان از نعمت خواندن و نوشتن محرومند و امکانات آموزشی در اختیار قشرهای مرفه است و اگر درصدی از زحمتکشان به تحصیل جذب شده اند بین امکانات فیزیکی (چون آزمایشگاه ، سالنهای ورزش ، کتابخانه وغیره ...) تحصیل آنها و قشر مرفه شکاف عمیق وجود دارد و آنها را گرفتار محفوظات کرده است فقط قشر محدودی از دانش آموزان از طریق مدارس ملی و یا اعزام به خارج از امکانات آموزشی توام با تجربه برخوردارند .

آموزشی که بر محفوظات تکیه کند زمینه هر نوع حرکت فکری را مسدود میکند و رابطه وییوند انسان را از فرهنگ ملموس اجتماعی خویش قطع میکند باتوجه به مراحل رشد جسمی و فکری می بایست آموزش تئوری و تجربی تلفیق شده و بر طبق مرحله رشد ذهنی دانش آموز ، و نیاز جامعه حدود هر کدام تعیین و در متن کتابهای درسی مورد توجه قرار گیرد . و چون توانائی ذهنی دانش آموزان متفاوت بوده باید در آموزش تمام حواس را بکار گرفت . در صورتیکه در تعلیم و تربیت ما فقط به حافظه تکیه میشود و چون محتوای آن نیز با ارزش های زحمتکشان بیگانه است طبیعی است که این نوع آموزش برای آنها دشوار گردد .

در صورتیکه ورزش بر محفوظات تکیه کند ، اولاداش- آموختگان به زحمت می توانند یاد بگیرند ، ثانيا حتی دانش آموزان باصطلاح با حافظه نیز حداکثر پس از یکسال بیش از ۱۵ درصد مطالب را قادر به بازگویی نخواهند بود . اگر آموزش تئوری با تجربه و آزمایش و عمل توام گردد قدرت یادگیری ۶۰ درصد ارتقاء می یابد و اگر آنچه یاد گرفته است تجزیه و تحلیل نماید و روابط اجزاء و کاربرد هر جزء را بشناسد قدرت یادگیری بازهم ارتقاء یافته و به مرحله عالی نزدیک میشود . اما مرحله عالی یادگیری انتقاد هر جزء و کل و سنتز جدیدی است که به دست می آید و این مرحله خلاقیت و

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می شود که درمین داشتر افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل با مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می کنیم.

ایداع است و حرکت تکاملی را تضمین نموده و به نوگرایی و اختراعات در جامعه امکان میدهد و اعتماد انسانها بر شخصیت خویش مستحکم می نماید .

آموزش استعماری مارا درحد محفوظات گرفتار کرده است . همینجا باید گفت تجزیه مدارس بدون تغییر محتوای کل نظام آموزشی و سازماندهی جدید مسئله را حل نخواهد کرد . این تجزیه نیازمند اختصاص بودجه بیشتری است که رژیم سابق نزدیک به ۴ درصد درآمد ملی را به فرهنگ اختصاص میداد و در دولت جدید نیز این روال تقریبا حفظ شده در صورتیکه حتی در کشور های سرمایه داری نیز بودجه آموزشی نسبت به درآمد ملی دو برابر درصد ایران است .

روش مشاهده و تجربه باید با آموزش توام شده و دانسته‌ها به آزمایش متکی باشد و در برخورد با هر تکنولوژی پایه و اساس نیاز های خلق بوده و بر اساس آن نیاز تکنولوژی ضمن انتقاد و تطبیق و هضم در درون فرهنگ ملی پذیرفته شود . بیگانه مداری که ناشی از منافع بیگانه است باید نابود شود و پایه آموزش ، نیازهای اقتصادی ، اجتماعی خلق باشد . و حتی به تجربه انقلابی دیگران نیز باید نقادانه و باتوجه

امپریالیسم و مسائل آموزشی طبقاتی در ایران

به شرایط و نیازهای زحمتکشان برخورد و غنا داده شود اینجاست که خواهیم گفت راه حل کتابهای درسی در اصلاح آنها نیست بلکه در دورریختن آنهاست ، مبنای حرکت جدید نیازهای خلق ، محتوا ارزشهای زحمتکشان ، باید باشد .

در آموزش ماراه دیالوگ و حرکت فکری پسته شده است و از دانش آموز آدمکهای مطیع میسازیم . بنا بر این در روش های آموزشی تکیه بر فردیت و تجربه پروری است . ماهوز بکار گروهی چه بین معلمان و چه بین دانش آموزان عادت نکرده ایم ، و این نیز به دلیل جلوگیری از هر گونه تبادل نظر و تجمع و تشکیلات معلمان بوده و نیز بشکل سازماندهی نظام آموزشی ، بدلیل ترس از خلق مربوط می باشد .

از نظر امکانات آموزشی در همین جوادیه تهران ، مدارس سه نوبتی است و تاکنار تخته سیاه شاگرد در کنار هم چیده میشود . وقضا برای ایستادن نیست آزمایشگاه ، زمین ورزش ، کتابخانه ، رابطه آموزش با مراکز تولید مطرح نیست . مدرسه وسیله تزریق ثبات بورژوازی برای ایجاد اطاعت پرده وار شده است و در همین حال امکانات مناسب در اختیار مدارس شمال شهر یعنی مدارس ملی قرار گرفته است ، و چون قشرو خواسته اداری نیز به مدرک گرائی جهت مشارکت در حاکمیت علاقه مند است و بر مدارس ملی برای ورود و فشار می آورد از این علاقه ، سرمایه دار مدارس ملی سوء استفاده می نماید و جیب خود را پر می کند .

نزدیک فضای تهران به یادگانهای نظامی اختصاص دارد و آموزش و پرورش میلیونها تومان اجاره میدهد . يك برآورد اولیه می گوید که برای این مرحله از دانش آموزان به هشت برابر فضای آموزشی فعلی نیاز است آیا در يك حکومت خلقی نمی توان قسمتی از این امکانات را در اختیار آموزش زحمتکشان قرارداد ؟

● خلقها و آموزش

با وجود نبرد طولانی برای سرکوبی فرهنگ خلقهای تحت ستم ایران ، این فرهنگ در متن زندگی زحمتکشان جریان داشته و بصورت شفاهی و غیر رسمی به حیات خود ادامه داده است . اگرچه از تکامل طبیعی باز داشته شده است و همانطور ارزشهای فرهنگی نیرو های روبه رشد بصورت رسمی در کتابهای درسی منع شده است . از طرح هر گونه مسائل زندگی این طبقه در کتابهای درسی خودداری شده است بازهم ارزشهای فرهنگی زحمتکشان بصورت غیر رسمی جوشش و بارآوری داشته و در نبرد ارزشها میبرد که ارزشهای امپریالیستی را بکوبد بسیار . در یکطرف این نبرد خلق های متعددی ایران با فرهنگ ملی سرکوب شده ، در طرف دیگر استثمارگران با نوکران داخلی و فرهنگ تحمیلی است . خلقها در جریان نبرد طولانی و سهمگین این نظام رابه آتش میکشند و از خاکستر آن فرهنگ بویای خلقها با رقتن به میان زحمتکشان ، خودپرستی و نفوذ فرهنگ استعماری را از خود میزدایند و از خلق می آموزند و در ساختن فرهنگ جدید پایه همه چیز را از نو آغاز کنند . باید باتکیه بر زحمتکشان به اصول آموزش نوین دست یافت و با بکوبد سیردن ارزشهای استعماری همراه اقتصاد تک پایه یی ، اقتصاد و فرهنگ نوین شکل گیرد که حکایت از تحول عمیق و بنیادی دارد و باید تمام ریشه های وابستگی قطع شود .

بنابر این مبارزه برای حاکمیت خلق جدا از مبارزه برای برچیدن نظام آموزشی طبقاتی نیست .

نظام جدید آموزشی با تعیین چهارچوب نظام اقتصادی از طریق مدارس کادرهای لازم را تربیت کرده و با محتوای فنی و رفی نیازهای اقتصادی خلقها در يك برنامه ریزی پویا و بالنده مسائل آموزشی را حل خواهد کرد . بطوریکه آزادی عمل خلقهای منطقه در متن برنامه منظور بوده و به شکوفائی فرد ، منطقه ، و خلقها امکان دهد . سازمان معلمان پیشگام

گفتگو با دکتر هدایت الله متین دفتری - ۲

کانون وکلای دادگستری:

● انحصارطلبان مانع انجام تکالیف اصولی و اجتماعی وکلای میشوند .

● با تهمت و افترا میکوشند مارا به بی تفاوتی و سکوت وادارند .
مهمترین اقداماتی که تاکنون کانون وکلای انجام داده است چیست ؟

کانون وکلای در زمان حکومت رژیم پهلوی ، با همکاری کانونها و جمعیت های دموکراتیک دیگر ، از جمله جمعیت حقوقدانان ، کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی کانون نویسندگان ایران و جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران ، در مبارزات مردم شرکت جسته و با تشکیل کمیسیون حقوق بشر برای معاضدت به مردم مبارز و نیز افشای جنایات رژیم ، در دادگاه هایی که رژیم برای انقلابیون تشکیل میداد شرکت کرده و برای آزادی آنان ، تلاش می کرد .

علاوه بر اینها نماینده کانون وکلای در طول این دوران همجا همراه با هیئت های امداد پزشکی و نمایندگان سایر سازمانهای دموکراتیک و یابتهایی برای تهیه گزارش هایی از جنایات شاه جنایتکار و عمال پلیدش در جهت افشاکاری و جلب افکار عمومی ایران و دنیا در طول انقلاب اقدام نموده است .

شما به جلب توجه جوامع بین المللی اشاره کردید . مقصودتان چیست و در این زمینه به عنوان مثال چه مواردی می توانید ذکر کنید؟
هیئت مدیره جدید کانون وکلای بلافاصله پس از استقرار کوشش کرد که با ایجاد رابطه با کانونهای مشابه در کشورهای دیگر دنیا ، از طریق آنان ، افکار عمومی جهانی را متوجه تلاش های قهرمانانه مردم ایران نماید . کار مشکلی نبود زیرا بسیاری از وکلای آزاده کشورهای دیگر به علت تکالیف انسانی و حرفه ای خود قبلات حدودی متوجه اجحافات که از طرف رژیم ضد خلقی شاه به عمل می آمد شده بودند ، ولی آنطور که باید و شاید از طرف کانون وکلای دست همکاری با آنها دراز نمی شد . هرچند که وکلای پیشرو در طول مدت پیدایش خود و حتی بسیاری از آنها از سالها قبل تحت هر شرایطی بطور مخفی با همکاران خود در کشورهای دیگر ارتباط داشتند .

دوران انقلاب

راجع به دوران انقلاب در خاطر هست که چندی قبل از استقرار هیئت مدیره جدید کانون وکلای ، آقای پوتی تی رئیس کانون وکلای پاریس ، یکی از اعضای هیئت مدیره کانون وکلای پاریس بنام آقای بوکرها مامور نمود تا به تهران بیاید و با مراجعه به کانون وکلای زمینه را برای هر نوع همکاری و همراهی در جهت کمک به مبارزات مردم ایران فراهم نماید ولی آقای بوک در تهران با درهای بسته مواجه شد و فقط موفق به دیدار با اشخاصی گردید که دست نشاندهان حکومت بودند و در جهت توجیه جنایات رژیم سخن می گفتند .

خوشبختانه حسن نژیه رئیس بعدی کانون وکلای مهنداری بوک را پیغمده گرفت و در نتیجه مسافرت وی با موفقیت به انجام رسید . همکاری وکلای خارجی در طول انقلاب به حدی ارزشمند بود که هنگام حضور آیت الله خمینی در پاریس و زمانی که بیم آن می رفت اجازه اقامت ایشان از طرف مقامات فرانسوی تمدید نشود ، عده ای از وکلای پاریس که همیشه از دوستان مردم مبارزما و از کمک کنندگان ما بودند ، کمیته ای برای دفاع از معظم له به منظور ازام مقامات فرانسوی بر تمدید اجازه اقامت ایشان تشکیل دادند .

تغیرات دیگر مسافرت شما چه بود ؟

این تنها مسافرت من در آن سال نبود در مسافرت دیگری ، دریا نیز همان سال به اروپا و آمریکا ، کار اساسی من جلب همکاری جوامع بین المللی از قبیل عفو بین المللی ، فدراسیون جهانی حقوق

حفظ دستاوردهای انقلاب ، مهمترین وظیفه جامعه وکالتست

بشرو جامعه جهانی حقوق بشر و بسیاری از شخصیت های آزاده بین المللی و مجامع حقوقی برای اقداماتی مشترک در سطح بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران بود . حتی برنامه ای گذاشته شد تا در صورتیکه بر اثر اقدامات اولیه جهاد عمومی خلقهای ایران و سازمان های دموکراتیک مشمول همه زندانیان بشود و در یک هفته معین در ماه ژانویه و یا فوریه سال ۱۹۷۹ در سراسر اروپا و آمریکا و با جلب همکاری حقوقدانان آسیا و آفریقا در این دو قاره نیز اقدامات وسیع و طولی برای آزادی زندانیان به عمل آید . ولی خوشبختانه حرکت انقلاب و سیل خشم خلقها بقدری سریع به جلو رفت که دیگر احتیاجی به انجام این برنامه نداشتیم . لکن بر اثر همین ملاقاتها ، در آن تابستان و پائیز چندین هیئت تحقیق به ایران آمد مبرترین این هیئت ها ، هیئتی بود از طرف سازمان عفو بین المللی که به ایران آمد و در ایران با همکاری کانون وکلای و جمعیت حقوقدانان و کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر توانست گزارشهای مفیدی تهیه نماید . نتیجه این گزارشها و بسیاری از اقتضاگرها که قبل از درمورد حمله ها و تیرورهای «خونی و قانونی» تهیه شده بود گسترده شوند . درهای دادسرای ارتش در چند ماه قبل از سقوط رژیم به روی وکلای باز بود و وکلای توانستند در این دادرسی نیز موجبات رهائی بسیاری از مبارزان و بازگشت آنان را به صف انقلابیون فراهم کنند . بخاطر دارم وقتی ۱۶ نفر از جوانان مبارز به اتهامهای تجزیه طلبی در معرض مجازات اعدام قرار گرفته بودند دادرسی ارتش در اواخر تابستان سال ۵۷ حاضر نبود که وکلای عضو جمعیت حقوقدانان را به دادگاه نظامی آذربایجان غربی راه دهد ، ولی به محض آنکه اعتراضاتی از طرف برخی از جوامع بین المللی شد ، همین جوانان که حتی دفاع از آنان مجاز نبود ، بلافاصله به پناه کوچکی از زندان خلاص شدند . چون هیئت حاکمه آزادی آنان را از زندان ، به حضور وکلای دادگستری در دادگاه ، که مقدمه ای برای یک سری اعتراض و افشاکاری می شد ، ترجیح داد . هیئت دیگری در دست چندی قبل از مراحل نهایی جنبش به تهران آمد . هرچند نتیجه کار آن دیگر در آن زمان مورد استفاده نمی توانست قرار گیرد ، اما گزارش منصل و دقیقی که توسط خان آشمیدلن ، از وکلای پاریس و مسئول این هیئت ، تهیه شده است از مدارک زنده و قابل استنادیله رژیم سابق است .

درمورد تحصنهایی که در کانون وکلای صورت میگرفت نظرات را بگوئید ؟

همانطور که می دانید با حضور وکلای پیشرو و افتادن امور کانون وکلای در دست آنان ، درهای کانون برای حق طلبان باز شد و وکلای دادگستری در خانه خود همه را با آغوش باز پذیرفتند و قبل از انقلاب ، نیز با دو تحصن بسیار اساسی شدند ، که اولی پس از چندین شبانه روز حضور خانواده های زندانیان برجسته سیاسی که در آستانه انقلاب منجر به آزادی عده کثیری نزدیک به ۳۰۰ نفر از برجسته ترین چریکها و مجاهدین خلق که محکوم به حبس ابد بودند گردید . تحصن دوم مربوط به خانواده های عده ای از همافران و افسران و درجه داران نیروی هوایی و هواییروز بود .

تلاشهای وکلای دادگستری باعث شد که اکثر همافران ، ساعتی چند قبل از نبرد آخرین از زندان آزاد گردند . ولی به علت ادامه بازداشت عده ای دیگر ، تحصن قاپیروزی انقلاب ادامه یافت . لوح سیاسی که چندی بعد همافران قهرمان به کانون وکلای دادگستری اهداء نمودند برای ما بعنوان یک سند افتخار همیشه خواهد ماند .

مهمترین فعالیت های کانون را بعد از قیام توضیح دهید؟
طبیعی است که وظایف و تکالیف وکلای دادگستری در هر جامعه ای هیچگاه منتفی نمی شود . پس از سقوط استبداد نیز همان تکالیف برای وکیل متعهد باقی می ماند .

حال توسعه از لحاظ ذخایر شناخته شده مس غنی ترین کشور های جهان هستند تقریباً ۵۲ درصد از ذخایر مس جهان در کشور های در حال توسعه ، ۳۵ درصد آن در کشورهای توسعه یافته و ۱۳ درصد آن نیز سهم کشورهای موسمیالستی است

علاوه بر ذخایر شناخته شده و قابل بهره برداری جهان ، موجودی ذخایر شناخته نشده و غیر قابل بهره برداری مس جهان ۱۲۶۹۲ میلیون تن برآورد شده است که مقدار قابل ملاحظه ای از مس که بصورت ندولهای پلی مثالیکی که در اعماق دریاها وجود دارد نیز به حساب آورده است

الف - معدن مس یو دکن - در سیبری با ذخیره ۱۲۰۰ میلیون تن سنگ مس ۱۵ درصد یا معادل ۱۸ میلیون تن مس

ب - معدن مس سرکلرادو - در پاناما با ذخیره ۲۰۰۰ میلیون تن سنگ مس ۶۱ درصد یا معادل ۱۲۲۲ میلیون تن مس

ج - معدن مس سرچشمه - در ایران با ذخیره ۷۷۵ میلیون تن سنگ مس ۹۴ درصد یا معادل ۷۲۸ میلیون تن مس

اقتصادی

گزارشی از مس سرچشمه و قراردادهای اسارت بار آن

● میلیون ها تومان برای تأسیسات مس سرچشمه خرج شده ولی کلیه قراردادهای آن محرمانه است .

● دولت انقلاب از شرکت پارس اندرچرن امریکائی برای ادامه کار دعوت کرده است .

● تاریخ بهره برداری مس سرچشمه سپتامبر ۱۹۷۷ بود .

● ۴۰۰۰ نفر در تأسیسات مس سرچشمه کار میکنند .

● حجم ذخایر شناخته شده و قابل بهره برداری ایران ۴۰ میلیون تن مس تخمین زده شده است .

زنجیر حوادثی که در روزهای اخیر اتفاق افتاد ، مساله مجلس خبرگان ، اشغال نظامی آیدگان ، سخت افکار عمومی را بخسود مشغول کرده است . صرف نظر از وقایعی که در پشت پرده می گذرد و این یورشها را سازمان میدهد . از سوی دیگر شاهد نزدیک تر شدن و ابقاء وابستگی های گذشته به امپریالیسم می باشیم که البته همه اینها حلقه یک زنجیر است ، یکی از این حلقه ها که ما را به بند های

بر اساس آمار موسسه تحقیقات زمین شناسی دولت آمریکا ، ذخایر جهانی مس حدود ۴۵۸۸ میلیون تن است . کشور های در

نامہ کلمہ آمیز یک کتاب فروش در کرمان

مردم خیلی زود حقیقت را خواهند فهمید

چندی پیش کتابفروشی ای رادر پابدانای کرمان ، توسط عده ای معلوم الحال و ناآگاه با همکاری و پشتیبانی کمیته به آتش کشیده و تمامی کتابهای موجود آنرا سوزاندند .

کتابفروش در نامه به روزنامه ها نوشته است :

این اعمال نشان می دهد که چقدر از آگاه شدن توده ها وحشت دارند . برای دادخواهی به همه جاسر زدم از جمله به کمیته مرکزی کرمان و استانداری که بی هیچ نتیجه و توجهی برگشتم . بعد از چندی برای گذران امور زندگی دکان سوخته را به

اما این بار به شکل دیگری یاد نظر گرفتن اینکه سقوط رژیم استبدادی را فقط می توان به عنوان شروع انقلاب قلمداد کرد و اینکه با سقوط این رژیم حفظ دستاوردهای انقلاب یعنی آزادیهای بدست آمده از اهم وظایف وکیل دادگستری است و اینکه بدون آزادی و استقرار حکومت قانون به معنی واقعی ، به هدفهایی یعنی رفع شر امپریالیسم نخواهیم رسید ، باید توجه داشت که اکنون نه تنها کار وکلای مبارز سبکتر نشده است ، بلکه وظایف مشکل تری را پیغمده دارند . چون قبل از سقوط استبداد ، حرکت برای وکلای متعهد ، بعلمت حرکت عمومی مردم و وجود حکومتی استبدادی و فاسد بسیار آسان بود و توجه به جزئیات و جوانب ضرورتی نداشت ، ولی اکنون مسئولیت خطیری برگرده وکلای دادگستری است و وکلای در اقدامات خود باید به جزئیات و جوانب امر و عکس العملها توجه نمایند زیرا دیگر آن وضع وجود ندارد و هر قدمی باید بسیار سنجیده برداشته شود . تاکنون نیز به همین شکل رفتار شده است تا خدشه ای به منافع واقعی اجتماع وارد نیاید . ضمناً از تجاوز بحقوق مردم جلوگیری شود . اما متأسفانه افزایش زیادی هستند که گفتار و کردار اصولی و کلا را در جهت حفظ منافع اجتماع و مردم و توسعه حقوق دموکراتیک آنان ، ناآگاهانه و یا بعلمت تبعیضات خاص و یا منافع خصوصی و گروهی ، مشکل دیگری تعبیر می کنند . طیف سیاسی مبارزات مردم ما پس از سقوط استبداد بشدت قطبی شده است و در نتیجه گروههای خاصی بدون در نظر داشتن هدف غائی انقلاب منافع و حقوق خاصی برای خود قائل شده اند .

این انحصارطلبی ها باعث می شود که انجام تکالیف اصولی و اجتماعی وکلا با مشکلاتی روبرو گردد . این عکس العملها ناآگاهانه حتی بازار قیمت و افترا و فحاشی را برخلاف اصول و فرهنگ انقلابی رایج کرده و کوشش می شود که از این طریق ما را ناچار به بی تفاوتی و سکوت نمایند . تادیب و ترفیق مراد ضد انقلاب و انحصارطلبان آزادی کش پیش برود ولی همکاران آزاده ما همانطور که فرهنگ انقلابی و شان حرفه آنان حکم می کند ، کماکان در جهت حفظ حقوق مظلومین و دستاورد های انقلاب قدم برداشته اند و کوشش کرده اند اصولی را که بخاطر استقرار آن مبارزه شده است به کرسی بنشانند .

ادامه دارد

آمار های مربوط به تولید معادن مس در جهان بطور کلی نشان میدهد که استخراج مس در کشور های جهان سوم هر روز بیشتری شود و در عوض ارقام استخراج مس در کشورهای در حال توسعه و این سیر نزولی را طی میکند و این

رشد سالانه درصد	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳
۳۸۳	۲۹۸۸	۲۸۳۲	۳۰۷۲	۳۱۷۴
۴۳۱	۳۱۸۶	۳۱۸۱	۳۰۷۴	۲۸۵۶
۷۶۵	۱۷۹۹	۱۶۱۴	۱۵۱۱	۱۴۶۳

پس از آن کشور شیلی با تولیدی معادل ۱۲۰۵ میلیون تن بیسیمی معادل ۱۳۹۱ درصد از کل تولید دومین تولید کننده مس در جهان بوده است .

تولید مس در برخی از کشورها (هزار تن)	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷
آمریکا	۱۵۵۸۰۵	۱۶۴۴۸۸	۱۶۲۸۲۲	۱۶۵۶۶۶	۱۶۳۶۴۴
فرانسه	۱۶۴	۱۷۲	۲۰۰	۲۰۵	۲۰۳
آلمان غربی	۷۳۵۴	۹۰۲۹۱	۸۲۸۳۳	۱۰۰۵۲۲	۱۰۰۵۶۲
شیلی	۲۰۲۲۷	۲۱۱۶۶	۱۸۹۲۲	۲۱۹۴۴	۳۳۱۰۰
پرو	۳۰	۴۰	۴۰	۶۰	۶۰

بقیه در صفحه



اعتصاب، تحصن، اجتماعات کارگری نموداری از ادامه انقلاب

(۷)

● اعتراض کارگران اخراجی کارخانه شیرمنطقه یی آذربایجان برای اعتراض به اخراج
● اعتصاب و راهپیمایی کارگران کارخانه کریم تره موقریشهر صنعتی البرز
● اعتراض به اخراج همکاران و نپرداختن دستمزد - پیغام امروز - شماره ۲۱ - ۱۱ فروردین ۵۸
● تحصن ۱۳ هزار کارگریکار آبادان در محل سندیکا کارگران - شماره ۵
● قطعنامه کارگران شرکت ماشین سازی کاترپیلار - خواستهای بازگشت به کار و ...
● قطعنامه کارگران ایران پولین رشت - خواستهای پرداخت حقوق عقب افتاده و ...
● قطعنامه کارگران بیکار و فصلی اهواز - خواستهای صنعتی - کار - شماره ۶ - ۲۳ فروردین ۵۸
● تحصن کارگران جنگلداری سیستان و بلوچستان بخاطر حقوق معوقه
● تحصن کارگران قالیباف بیکار تبریز
● اجتماع صیادان در گمشده تپه با خواستهای صنعتی
● قطعنامه کارگران قالیباف با خواستهای صنعتی - سیاسی - پیغام امروز - شماره ۲۳ - ۱۵ فروردین ۵۸
● اجتماع کارگران بیکار شیراز
● اعتراض کارگران کارخانه آجبر ثابت پهنپرداختن حقوق
● پیغام امروز - شماره ۲۵ - ۱۸ فروردین ۵۸
● قطعنامه کارگران شرکت بانای زاهدان - خواستهای افزایش دستمزد، پرداخت حقوق معوقه
● راهپیمایی کارگران بیکار و اخراجی مهاباد
● راهپیمایی کارگران شرکت استیلودورینگ خرمشهر - کار - شماره ۵ - ۱۶ فروردین ۵۸
● تحصن کارگران شرکت پلیاکریل - کارگر - شماره ۳ - نیمه اول فروردین
● تحصن کارگران سنگبری فاپکا و چوکا - کارگر - نیمه اول فروردین
● تحصن کارگران شرکت شن و ماسه متوساک
● قطعنامه کارگران اخراجی الکتریک برای بازگشت به کار
● اجتماع خبازان و قطعنامه برای خواستهای صنعتی - پیغام امروز - شماره ۲۶ کارگران شماره ۱۹ - ۴ فروردین ۵۸
● اشغال سازمان برنامه توسط ۵۰ نفر از کارگران پرسنزیون برای اعتراض به اخراج - پیغام امروز - آیندگان ۵۸/۱۵ کارگران شماره ۴ نیمه دوم فروردین
● راهپیمایی کارگران بیکار و اخراجی بسوی منزل آیت الله طالقانی پیغام امروز شماره ۲۷ - ۲۰ فروردین ۵۸
● تحصن و اعتصاب کارگران بندر خرمشهر
● تحصن کارگران بیکار و پروژهای آبادان
● اجتماع کارگران اخراجی سردخانه جنرال هاوز - خواستهای صنعتی - پیغام امروز - شماره ۲۸ - ۲۱ فروردین ۵۸
● راهپیمایی کارگران فصلی و بیکار کارخانجات اصفهان و کشته شدن توفیق (۵۸/۱۸)
● تحصن کارگران شرکت طاق بتونی مازندران
● تحصن کارگران اخراجی سارااول - پیغام امروز - شماره ۲۸ - ۲۱ فروردین ۵۸
● راهپیمایی و تحصن کارگران فصلی و بیکار تهران در دادگستری برای اعتراض به طرح صندوق وام بیکاری - پیغام امروز - شماره ۲۱ - ۲۲ فروردین ۵۸
● ادامه تحصن کارگران آبادان - آیندگان - شماره ۳۳۳۲ - ۵۸/۲۵
● ادامه تحصن کارگران آبادان - آیندگان - شماره ۳۳۳۲ - آیندگان شماره ۳۳۳۱ - ۵۸/۲۳
● تحصن کارگران شرکت فامبتون - پیغام امروز - شماره ۳۰ - ۲۳ فروردین ۵۸
● تحصن کارگران پارتسپرس - پیغام امروز - شماره ۳۳ - ۲۷ فروردین ۵۸
● قطعنامه کارگران اخراجی شرکت آکام - پیغام امروز - شماره ۳۵ - ۲۹ فروردین ۵۸

● تحصن کارگران اکباتان اعتراض به عدم پرداخت حقوق - شماره ۳۳۰۶ آیندگان - پیغام امروز شماره ۷ - ۱۵ اسفندماه ۵۷
● اجتماع کارگران کارخانه ایران مقوا - کارگر - شماره اول - نیمه اول اسفندماه
● اعتصاب کارگران و کارمندان شرکت ذغالسنگ کرمان - کارگر - شماره اول - خواستهای سیاسی
● اعتصاب کارگران چاپخانه فاروس - در اسفند ۵۷ - کار - شماره ۲
● ویژه کارگران چاپخانه
● تحصن کارگران اخراجی ایران ژنراتور - پیغام امروز - ۱۶ اسفندماه - شماره ۸ - کارگر - شماره ۱ - نیمه دوم اسفند ماه
● تحصن کارگران شرکت الکترونیک دینا و پارس دینا - خواستهای اقتصادی - پیغام امروز - ۱۵ اسفند مای ۵۷
● تحصن کارگران شرکت ره گستر - اسفند ماه ۵۷ - کار - شماره ۲
● اعتصاب کارگران فاسترویلر خواستهای اقتصادی - پیغام امروز شماره ۸ - ۱۶ اسفندماه - کار شماره ۱
● اعتصاب کارگران نختاب فیروزان - خواستهای اقتصادی - اسفندماه - شماره ۱ نشریه کار
● اعتصاب کارگران کارخانه نپتون - خواستهای اقتصادی - شماره ۱ کار
● تحصن رانندگان کامیون دروزارت کار - اقتصادی - پیغام امروز - شماره ۸ - ۱۶ اسفندماه ۵۷
● اجتماع کارگران اخراجی تبریز برای اعتراض به اخراج - پیغام امروز - شماره ۹ - ۱۷ اسفند ۵۷
● اجتماع کارگران بیکار تهران - اعتراض به بیکاری - پیغام امروز - شماره ۹ - ۱۷ اسفند ماه ۵۷
● تجمع کارگران بیکار شرکت اس - آ - ای - پیغام امروز - شماره ۱۲ - ۲۳ اسفند ۵۷
● تجمع رانندگان شرکت فردا
● تجمع کارگران مقواسازی کهریزک
● تجمع کارگران شرکت یاکتا
● تجمع کارگران شرکت ام . تی . اس - پیغام امروز - ۲۳ اسفند ماه ۵۷
● تحصن کارگران کاشی سمدی - خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده - آیندگان شماره ۳۳۱۰ - ۲۱ اسفند ۵۷
● تحصن کارگران شرکت نوسازی و عمران تهران - آیندگان - ۲۳ اسفند ۵۷ - شماره ۳۳۱۲
● قطعنامه کارگران شرکت تی بی تی
● قطعنامه کارگران کارخانه آبمیوه گیری ارومیه (پاکدیش)
● قطعنامه کارگران بیکار تهران و اعتراض به طرح صندوق وام بیکاری - خواستهای اقتصادی - پیغام امروز - شماره ۱۲ - ۲۳ اسفند ماه ۵۷
● اجتماع کارگران بیکار تهران در برابر وزارت کار - اعتراض به طرح صندوق وام بیکاری - پیغام امروز - شماره ۲۵ - ۲۷ اسفند ۵۷
● تحصن کارگران بیکار قاسمیسانی در وزارت کار - اعتراض به طرح صندوق بیکاری - پیغام امروز - شماره ۱۶ - ۲۸ اسفند ۵۷
● تحصن کارگران شرکت جلگه در برابر اداره مهندسی ارتش - اعتراض به حقوق معوقه - پیغام امروز - ۲۸ اسفند ۵۷ - شماره ۱۶
● فروردین ماه
● قطعنامه کارگران بازار - برای کم کردن ساعات کار و ...
● اعلام خواست کارگران شرکت ماشین آلات عمرانی - با خواستهای اقتصادی و افزایش عوامل ضد کارگر - پیغام امروز - شماره ۱۸ - ۷ فروردین ۵۸
● اجتماع کارگران شرکت بیکار و اخراجی داتو روژا
● اجتماع کارگران پارسونز جردن - اجتماع کارگران دی پارکوی - اجتماع کارگران هامارا - اجتماع کارگران الموتا - اجتماع کارگران پاکان - اجتماع کارگران پورت هوسج - اجتماع کارگران اکباتان - اجتماع کارگران رایس و فرایتاک با خواست بازگشت به کار - پیغام امروز - ۹ فروردین ۵۸
● اجتماع کارگران در فلکه نادری تبریز - اعتراض به اخراج کارگر به پیش - شماره ۳ فروردین ۵۸
● اعتصاب غذا و تحصن کارگران بیکار تبریز، اصفهان و شیراز - ۱۹ فروردین - کارگران شماره ۵
● اعتصاب کارگران کشتی سازی خرمشهر - ۱۶ فروردین - کارگران شماره ۵
● تحصن کارگران اتوبوسرانی آبادان - ۲۰ فروردین - کارگران شماره ۲۰

نامه خواهریک زندانی برای آزادی برادر کارگرم از تمامی نیروهای مبارز استمداد می طلبم!

از یست و یک روز پیش تاریخ ۵۸/۴/۲۴ برادر من ناصر جوکار کارگر صنایع فولاد اواز دستگیر و در زندان اهواز بسر میبرد. بعد از ملاقات فهمیدم که وی صرفا به جرم داشتن چند اعلامیه و افشای ماهیت سرمایه داران برای سایر کارگران هنگام ورود به کارخانه بوسیله «نیروی ویژه» تنظیم کاره (که گویاهمان افراد کمیته هستند) دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تاکنون بدون بازجویی در زندان بسر میبرد.

امپریالیسم برای حفظ منافع خود مردم طرحی مذبحانه برای تثبیت قدرت خود می ریزد که نیروی ویژه یکی از این طرحهاست که سرمایه داران هم بخاطر همکاسه بودنشان با امپریالیسم این طرحها را به اجرا درمی آورند. این قوطه ها بخصوص در خوزستان با دستگیری بی دریغی نیروها و کارگران مبارز در کارخانه و یا با یورش به خانه ها بوسیله نیروهای پاسدار و افراد کینه روز بروز بیشتر و از طرف

ارتش نیز حمایت میشوند. می پرسیم چرا عناصر ساواک که در رژیم منقر قبلی بهترین فرزندان خلق را زیر شکنجه و با قبیح ترین وضع ممکن کشتند فراغبال و آسوده زندگی میکنند و افراد مبارز در زندانها بسر میبرند. مفهوم انقلاب این است؟ آیا اینها همه قوطه امپریالیسم نیست؟

من که سه هفته است بعزت قوطه سرمایه داران بدون سرپرست و حامی مانده ام (بعزت فوت پدر و مادر برادر من تکلیف مرا بعهده دارد) از کانون وکلای قانون زندانیان سیاسی و جمعیت حقوقدانان تقاضای رسیدگی به وضع نامعلوم برادر در بندم را دارم. هم چنین از تمامی نیروهای مبارز تقاضا دارم که نهایت کوشش خود را در جهت آزادی دیگر زندانیان مجهول الجرم که با اتهامات واهی دستگیر شده اند مبذول دارند و تمام قوطه های امپریالیسم را نقش بر آب سازند.

فرشته جوکار

دعوت از کارگران نجار قالبند، آرما توربند، بتون ریز

هیئت مؤس سندیکای (نجار قالبند - آرما توربند - بتون ریز) با صدور اطلاعیه ای از کلیه کارگران شاغل و بیکار حرفه های - نجار قالبند - آرما توربند - بتون ریز دعوت

کرده است برای شرکت در مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان سندیکای واقعی خود ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۲۶ مرداد در خانه کارگر حضور بهم رسانند

گزارشی مس سرچشمه و قراردادهای بقیه از صفحه ۵

ذخایر مس ایران

وضع جغرافیائی ایران مخصوصا وجود کوههای سلسله جبال زاگروس که از شمال غربی تا جنوب شرقی ایران امتداد دارد و رابطه این سلسله جبال با کمربند جهانی مس موید وجود ذخایر غنی مس در ایران می باشد. معدن مس سرچشمه که دارای حداقل ذخیره ای برابر ۶۵۰ میلیون تن سنگ مس با عیار ۱۲ درصد می باشد، یکی از معادنی است که روی کمربند مس ایران قرار گرفته است. وجود معادن متعدد کوچک در امتداد این کمربند نیز حاکی از اعتبار ذخایر مس ایران در این امتداد می باشد. بعلاوه در شرق ایران و خارج از سلسله جبال زاگروس معادن مس قابل ملاحظه ای وجود دارد که اهم آن معدن مس قلعه زری است که در جنوب بیرجند واقع شده و سالیانه حدود ۳۵۰۰ تن مس از آن استخراج میشود که پس از تقلیط به خارج صادر و یا در داخل مورد استفاده قرار میگیرد.

حجم کل ذخایر شناخته شده اقتصادی و قابل شناسائی ایران حدود ۳ میلیارد تن سنگ مس و یا تقریبا معادل ۳۰ میلیون تن مس تخمین زده میشود. در حال حاضر اطلاع دقیقی از ذخایر غیر اقتصادی در دست

نیست ولی انتظار میشود که ذخایر مس با حدود ۱۵ میلیارد تن سنگ مس به عیار کمتر از نیم درصد در ایران وجود داشته باشد که در بر آورد ذخایر مس کشور در طول المدت می بایستی منظور شود. به این ترتیب ایران از نظر ذخیره مس یکی از معتبرترین کشور های جهان بشمار می آید.

مصرف و تولید مس در ایران

در چند سال اخیر تولید مس خام و تصفیه شده در ایران بسیار محدود و حدود سالانه چهار هزار تن خام و ۶ الی ۷ هزار تن مس تصفیه شده بوده، که قسمت اعظم آن به مصرف ارتش و صنایع نظامی میرسیده است.

مصرف مس ایران شامل محصولات خام، نیمه نهائی و نهائی مس و یا آلیاژهای که مس در آن بکار رفته است می باشد و قسمت اعظم این مصرف بعزت محدود بودن و یا فقدان تولید داخلی از خارج تهیه شده است. مصرف کنندگان عمده محصولات نیمه نهائی مس در ایران عبارتند از:

- ۱- شرکت های تولید کننده سیم و کابل مسی.
- ۲- صنایع نظامی.
- ۳- صنایع لوازم خانگی.
- ۴- صنعت رادیاتور سازی.
- ۵- صنعت ساختمانی.

واردات انواع محصولات مس و

اشتراک روزنامه برای هم میهنان خارج از کشور

روزنامه پیغام امروز را می توانید مشترک شوید، روزنامه هفته دوبار با پست هوائی ارسال خواهد شد. برای اشتراک فرم زیر را پر کرده و همراه یا حواله بانکی به صندوق پستی شماره ۴۱/۲۶۶۷ ارسال دارید.

اشتراک شش ماهه ۳۹۰۰ ریال
اشتراک یکساله ۷۸۰۰ ریال

Name نام و نام خانوادگی
Address آدرس
City State

پیغام امروز
مدیر مسئول: رضامرز بان
زیر نظر شورای نویسندگان
ناشر: پیغام نو
نشانی پستی تهران صندوق شماره ۴۱۲۶۶۷

آلیاژ های آن به ایران در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۴۵۶۲۳ تن به ارزش ۶۱۷۵۸ میلیون ریال بوده است.

واردات انواع محصولات مسی و آلیاژهای آن در ۹ ماهه اول سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۳۶۹۵۸ تن بوده است.

به ارزش ۵۱۰۶۳ میلیون ریال بوده است. انواع محصولات مسی و آلیاژهای آن بیشتر از کشورهای آلمان غربی - ژاپن - لهستان و کاناداست طی سالهای اخیر واردات مواد خام مس به ایران از رشد متوسطی حدود ۷۰ درصد برخوردار بوده است.

هجوم به آزادیها سر آغاز تجاوز به استقلال کشور است

محمدرضا شاه متفورنیا موخته اند. آزموده را مهزامیاند و آخین اسلحه ارتجاع را برا تحمیق مردم به میدان آورده اند. آنها با پرچم عقب ماندگی، جبل، خرافات، کینه توزی به ابتاهش دشمنی با علم و پیشرفت به جنگ با نیروی لایزال خلق، حرکت پیش رونده تاریخ برخاسته اند و این نبرد مسلما به پیروزی علم و برجهالت، پیشروی بر عقب ماندگی، عشق به انسان بردشمنی با انسان خاتمه میپذیرد.

سرانجام خلق ایران «برزار امپریالیسم» ارتجاع داخلی آزادی خود را چش میگیرد و خواهد گفت ملت ایران به «قیم» محتاج نیست، حیوان نیست که چوپان بخواده، آزاد است، آزاد میاندیشد و بر پرچم خود خواهد نوشت که تعیین حاکمیت مردم با خود مردم است.

سازمان کارگران مبارز ایران با انتشار اعلامیه ای هجوم به آزادیهای دموکراتیک و یورش به مطبوعات آزادیخواه را محکوم کرد. در اعلامیه می خوانیم: آنان به عیب تصور میکنند که با ترور مطبوعات قادرند از افشاء مخدوش بودن آراء مجلس و خبرگان «ازافشاء اعمال نفوذها» دزدیدن صندوقها، پر کردن آنها سرکوب اراده آزاد مردم جلوگیری آنها به عیب می بینند از که انحصار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مطبوعات فرمانبردار و بی اراده در بقای سلطه خفقان آور و نکبت بار آنها شمرای دارد. آنان از سرتوشت رضا خان قلدر

خبر روزنامه جمهوری اسلامی را تکذیب می کنیم

هواداران جریک های فدایی در شکلا

هواداران سازمان جریک های فدایی خلق ایران در قریه و شکلا آمل، ضمن تکذیب خبر مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی، مبنی بر درگیری هوا داران سازمان با کشاورزان، چگونگی ماجرا را شرح داده اند: این درگیری که صرفا بین کشاورزان اتفاق افتاد هیچگونه ارتباطی با هواداران سازمان جریک فدایی خلق ایران نداشت، مسئله درگیری در ارتباط با یک اختلاف خانوادگی بین کشاورزان پیش آمد:

پس از درگیری مختصری که در ساعت ۶ بعد از ظهر ۱۳ مرداد ۵۸ بین علی ملکی و حاج فضل الله ملکیان پیش آمد، بواسطه اختلافات محلی فیصله یافت، بصر فایک یکی از طرفین دعوا قایل و همسایه یکی از هواداران سازمان بوده است، ارتجاعیون ده به رهبری یکی از حاجی های محل که از نظر طبقاتی جزو افراد مرفه و صاحب نفوذ می باشد، با تحریک و سوءاستفاده از عدم

مهاجمان آزادند

بقیه از صفحه ۱

به کار ساختن رژیم سرگرم هستند که در آن، جایی برای مبارزان مدافع حقوق مردم نیست. و برپایه ی پیش آنها، حقوق مردم، چیزهایی است که آنها برای مردم می خواهند. نه آنچه برابر اصول رایج جهانی، و در اثر تداوم مطالبات انسانی در طول تاریخ تمدن، به صورت امروزی مدون و ضمانت شده است.

وقتی که کاربه اینجا کشید، روزنامه نویسی مدافع آزادی باید روانه زندان شود، و کسانی که باید به عنوان متری همویل زندان گردند، با گردن افراشته، نمایندگان خیابانی افشارگری تشکیل دهند. و علیه دکتر متین دفتری، باید اعلام جرم شود، و آنها که در راه پیامی آرام مردم خواستار حقوق و آزادیهای تضمین شده انسانی، با ساطور و کاردر و پاره آجر و چوبدست و پارمنگ، صدها سرو دست و شمشیر، و زنان و مردان مدافع آزادی را روانه بیمارستانها ساختند، زیرلای اعلام جرم کنندگان، به فاخ و فاخشانه، و فاخ و فاخ شیشه ها و درها ادامه بدهند.

این درس قلخ را تاریخ، به مردم زودبایور می دهد که بدانند آزادی را چگونه آسان از دست آنها می توان ربود. و اگر هشیار نباشند، و اگر فرصت دهند که وضع بر همین منوال پیش رود، فردایی که نه چندان دور است، همین چماق بدستان، و پاره آجربران، هر روز در خانه ساکنان يك محله را خواهند کوبید تا قفتیش کنند که آیا ساکنان خانه های محله درست آنکونه که اینان مامورند بدانند، خوابیده اند، خورده اند، گفته اند، راه رفته اند یا نه؟ این تجسم آرمانهای رهبران چماق داران است. و راه تحقق آن را اراده ما و شجاعت که باید بکشاید پایه بند، نبرد با استبداد و خودکامی هنوز از پیچ يك کوچه بیشتر عبور نکرده است.

کمیته سفارت امریکا تنها نبود

بقیه از صفحه ۱

این کمیته، همان تشکیلاتی است که درباره مشولش، روزنامه انقلاب اسلامی، اطلاعات بسیار جالب توجهی بدست آورد و منتشر کرد، و هیچ يك از کمیته های انقلاب، از وجودش اطلاع نداشتند، و کمیته مرکزی هم از آن بیگانه بود.

ولی حقیقت اینست که چندین شاه، در پایشخت، و در مرکز سنگینی قدرت و آگاهی شورای انقلاب و کمیته ها، و دولت موقت انقلاب، در داخل سفارت امریکا، کمیته یی با تمهادهای پاسدار، همچون قارچ روییده بود، و فعالیت های مشکوک و تحریک آمیز می کرد، و کسی هم توجه نداشت، تا ماجرای «سعادت» ، این فرزند شایسته انقلاب، و مجاهد پاکدل، پیش آمد، و پرده از روی يك راز برداشته شد.

آنچه روز یکشنبه انجام گرفت، و برنامه خلع صلاح و بازداشت عوامل مستقر در کمیته، کار خوبی است، ولی چرا این اندازه دیر؟ و چرا، درست همان زمان افشا شدن وجود چنین سازمانی، به قلع و قمع و فرو پاشیدن آن مبادرت نشد؟

سوال مقدر دیگر اینست که، وقتی در پایشخت، و زیر چشم تمام قدرتهای مسئول سازمانی مرموز و ضد انقلابی و نفاق افکن، با ماهیتی درست شناخته شده، می تواند ماه های متعدد، فعال و در خدمت هدفهایی باشد که به نفع يك سیاست و دولت مشخص و به زیان ایران است، در شهرهای دیگر، در فارس، خوزستان، لرستان، اصفهان، ارومیه، کردستان، و آذربایجان، وضع چنین عوامل و سازمانهایی چه خواهد بود. و آيا می توان گفت که در سطح بالایی سازمانهای موثر و مقتدر ازین نمونه ها، وجود ندارد؟

آيا، آن مدعیان مسلمانی، که نام توحیدی هم بر خود گذاشته اند و روز یکشنبه راه پیمایی از پیش اعلام شده را به پاره آجر و پاره سنگ بستند، و به چماق، و گاز اشک آور و سرانجام، پس از پایان راه پیمایی، زمینه را برای شلیک سلاح آتشین هموار ساخته و خود همانند موش به سوراخها خزیدند، می توانند هویتی غیر از هویت کمیته سفارت امریکا داشته باشند؟ پنهان شدن افراد مشکوک و خائن، پشت شعارهای مذهبی، تازگی ندارد. و یکی از جلوه های مهم آن پریش، اتفاق افتاد.

اسلام دین خشونت نیست، و این متظاهران مسلمانی با اعمال گناه آلود خویش، مردم را نسبت به ماهیت آنچه حکومت اسلامی نامیده می شود، دچار بدگمانی کردند. زیان این اعمال نصیب چه جبهه یی می شود؟ و آيا آن آزادی موعود اسلامی، این است که اینان نمایش دادند؟ من یقین دارم که این اعمال خدشه انگیز، نمی تواند ریشه در سیاست خارجی نداشته باشد.

جبهه دمکراتیک

بقیه از صفحه ۱

و سپس با قاطعیت و اعتماد به نفسی بی نظیر تقاله های ارتجاع را از سر راه چارو کرد و برآوردادامه داد. از آن پس جنگ و گریز بود که علیه فلا نرئیس با نیرو های آزادیخواه در طول راه پیمائی داشتند. حملات مکرر مهاجمان صدها زخمی به راه پیمایان تحمیل کرد، اما نتوانست جلوی سیل مردم آزادیخواه را که با شعار «مرک بر فاشیسم» و «ارتجاع نابود است» پیش میرفتند بگیرند. انبوه جمعیت بجلوی نخست وزیر رسید، تمام میدان و خیابانهای اطراف را پر کرد، شعار، های مخالفت با استبداد و ارتجاع آسمان را بلرزه در آورد، ولی در مقر قدرت، هیچ سری از پنجره بیرون نیامد تا دست کم فریاد آزادی را بشنود. منتهای لطف دولتیان برای حفظ نظم شلیک تیر هوایی در مقابل نخست وزیر و گاز اشک آور در مقابل کلا نتری مرکزی آنها برای پراکندن جمعیت بود!

علی رغم هشداری جبهه دمکراتیک ملی و نامه رسمی این جبهه به نخست وزیر و نیرو های انتظامی برای قراردادن دولت در مقابل مسئولیتش که حفظ نظم است، همه مردم آزادیخواهی که در راه پیمائی اعتراضی شرکت داشتند بعیان دیدند دواتی که به اندک تلنگر حاضر است گردان گردان نیروی انتظامی مجهز برای سرکوبی خلق های مشمیه دیده ایران یفرستد، در مقابل اخلاص فلا نرئیسهای «خودی» بظلمه گر خوشریدی استعاده می یابد که عملا راه را برای ماجراجویی

انحصار طلبان باز می گذارد. آزادی خواهان تهران امروز آشکارا دیدند که دولت و فلا نرئیس دست در دست هم دادند.

جبهه دمکراتیک ملی ایران با درود فراوان به مردم قهرمان و آزاده ای که ثابت کردند صدای آزادی را دیگر نمی توان بهیج عنوان در حلقه ها خفه کرد، از خانواده هایی که در این راه پیما می مجروح داده اند درخواست می کند که با جبهه، جهت انجام وظیفه اش در رسیدگی به مجروحان تماس بگیرند و اطلاعات لازم را در اختیار این جبهه قرار دهند.

مرک بر امپریالیسم زنده باد آزادی

هیئت اجرایی جبهه دمکراتیک ملی ایران

اتحاد چپ

اتحاد چپ نیز در اعلامیه یی با عنوان چوب، چماق، مسلسل، دیگر اثر ندارد تظاهرات روز یکشنبه را نقطه عطفی در مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی پس از قیام بود. صدها هزار تن از مردم آزادی خواه و مترقی، با روحیه ای مبارزه جویانه نشان دادند که قادرند علیرغم قهید و فشار، علیرغم چوب و چماق و تیر و گاز اشک آور، در مقابل زیر پا گذاشتن آزادیها و حقوق مردم زحمتکش قاطعانه بایستند، مبارزه کنند و قصد و هدف خود

اثر ندارد. تظاهرات عظیم روز یکشنبه که به دعوت جبهه دمکراتیک ملی صورت گرفت نقطه عطفی در مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی پس از قیام بود. صدها هزار تن از مردم آزادی خواه و مترقی، با روحیه ای مبارزه جویانه نشان دادند که قادرند علیرغم قهید و فشار، علیرغم چوب و چماق و تیر و گاز اشک آور، در مقابل زیر پا گذاشتن آزادیها و حقوق مردم زحمتکش قاطعانه بایستند، مبارزه کنند و قصد و هدف خود

موج جدیدی

بقیه از صفحه ۱

اهلیت خود عمل کرده و این مقررات قانون تلقی نمی شود. اصولا برای امر مطبوعات قائل به وجود يك نظام مطبوعاتی نظیر آنچه در مورد حرفه هایی چون وکالت و پزشکی وجود دارد و کلیه امور مربوط به وکالت و طبابت توسط کانون وکلای نظام پزشکی اداره و حل و فصل می شود، هضم. دولت حق هیچگونه مداخله ای را در امر مطبوعات ندارد. اگر مطبوعات از رسالت و وظیفه خود به دور شوند، شاکیان خصوصی حق رجوع به دادگستری و اعلام شکایت علیه روزنامه متخلف را خواهند داشت و دولت هم از این حکم کلی بدور نخواهد بود. و اگر مدعی است روزنامه ای برخلاف مصالح عموم عمل می کند باید به قوه قضائیه شکایت ببرد و داوری این موضوع با دادگاه خواهد بود. چون موضوع مربوط به کل جامعه است نمایندگان اجتماع هم به عنوان هیئت منصفه باید در این داوری شرکت داشته باشند.

روزنامه آیندگان

تصور می کنم پاسخ سوال مربوط به هجوم به روزنامه آیندگان و تعطیل و توقیف آن و بازداشت عده ای از نویسندگان و اعضای هیئت تحریریه آن روزنامه را هم دادم و دادسرای انقلاب صلاحیت چنین اقدامی را نداشته است و دلایلی هم که برای توجیه این عمل غیرقانونی ارائه کرده است به هیچ وجه قابل قبول نیست.

اگر بعلت وابستگی صاحب یا صاحبان روزنامه آیندگان با رژیم سابق بتوان روزنامه را توقیف کرد و مسئولین و اداره کننده آنرا به بند کشید، این موضوع در مورد روزنامه های اطلاعات و کیهان و تمام روزنامه و مجلاتی که در گذشته نشر و طبع می شده صادق است اساسا در شرایطی که روزنامه آیندگان با گذر جدیدی به کار پرداخته و کلیه مسئولین آنرا افرادی مبارز و آزادیخواه که در زمان رژیم گذشته برای رفع سانسور و اختناق مبارزه کرده اند تشکیل می دهند، تحمیل عواقب و فشاری اعمال خلاف مسئولین سابق این روزنامه به گردانندگان فعلی آن عملی است غیر عادلانه و مخالف با تمام موازین قانونی و حق و عدالت.

موج جدید اختناق

و در رابطه با این امر

راه انجام رسانند. تظاهرات عظیم یکشنبه نشان داد که آزادیخواهان و نیروهای مترقی حاضر نیستند در مه بل چوب و چماق انحصار طلبان عقب نشینی کنند و دست ارتجاع و فاشیست های وطن را در زیر پا گذارند حقوق دمکراتیک باز بگذارند. این تظاهرات نشان داد که انحصار طلبان دیگر نمی توانند بدون مقاومت ترک تازی کنند.

● حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران در اطلاعیه ای اعلام کرد: روز ۲۱ مرداد تظاهراتی که از پیش اعلام شده بود و از حفظ نظم با توده های چند هزار نفری شرکت کننده در تظاهرات همکاری کند، دولت سکوت پیشه می سازد و فلا نرها بایاره آجرهای از پیش آماده شده به مردم حمله میکنند.

حزب ما این اعمال تنگن را بشدت محکوم نموده و این دسیسه ها را ارجاعی میداند.

تصور می کنم اصولا موج جدیدی از فشار و اختناق بر جامعه حکم فرما شده و نمونه بارز آن حمله و هجوم گروه های ضربت نظیر آنچه که در رژیم گذشته توسط ساواک ترتیب و گسیل می شد، به راه پیمایان روز یکشنبه است که بدون هیچگونه بهانه ای به مردم هجوم آوردند و با سنگ چوب، دشته و قمه، عده کشیری زن و مرد را مضروب و مجروح کردند. شخصا ناظر بودم که این اوباش را با مینی بوس به کوچه های حوالی خیابان انقلاب می آوردند و از آنجا بسوی مردم هجوم می بردند. همچنین در بسیاری از مسیر راه پیمائی از بالای پشت بامها و بالکنها باران سنگ و چوب بر سر مردم فرو می ریخت و در این میان هیچگونه خبری از قوای انتظامی نبود. گویا تصمیم بر این بود که ماموران انتظامی و پاسداران از محرکه بدور بمانند تا گروه های ضربت مردم را به خاک و خون بکشند و به همین صورت هم عمل کردند.

باقر پرهام نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران درباره قانون مطبوعات گفت:

پیش از تصویب نهائی قانون مطبوعات دولتها مدعی بودند که از قانون برای جلوگیری از کار روزنامه ها و ایجاد اختناق مطبوعاتی استفاده نخواهد شد و مرتب از حسن نیت غامضان و مجریان قانون صحبت می کردند. اما یورش مسلحانه به روزنامه آیندگان، درست هزمان با اعلام تصویب قانون مطبوعات، ثابت کرد که همه ادعاهای آزادیخواهی و حسن نیت دولتیان دروغی بیش نبود.

بعد از تعطیل آیندگان و توقیف آهنگر اعلام شد که ۱۰ نشریه دیگر هم اجازت انتشار ندارند و سرانجام آقای میناجی اعلام داشت که همه روزنامه ها و مجله های موجود باید برای انتشار اجازه مجدد بگیرند.

می بینید که مراحل اختناق مطبوعات به پرکت قانون جدید صریح پیش می رود.

این همه شتابزدگی در تعطیل مطبوعات آزاد و جلوگیری از آزادی اندیشه و بیان که دولت و عوامل ارتجاع مشترکا از خود نشان می دهند برای چیست؟ بنظر من این نوع دشمنی با آزادی و دمکراسی دو دلیل عمده دارد:

از لحاظ داخلی نشانه وحشت عظیم صاحبان جدید قدرت از گسترش فرهنگ مترقی و ضعف بنیادی آنان در مقابله منطقی و دمکراتیک با آگاهی رشد یابنده توده هاست. وقتی که اندیشه های کینه و ارتجاعی کاربرد فرهنگی خود را از دست می دهد به ناچار برای مقابله با فرهنگ بالنده باید به چوب و چماق و حبس و زندان متوسل شود. از لحاظ خارجی، یعنی در رابطه با امپریالیسم، سرکوب مطبوعات و پایمال کردن حق آزادی بیان و عقیده جز عذاتی سیاستی است که موزیانه عملا در اندیشه ادامه راه وابستگی و استمرار حیسات سرمایه داری وابسته است.

سلطه امپریالیسم هنگامی میسر است که مردم آگاه نباشند و مطبوعات آزادی وجود نداشته باشند که حقایق زندگی اجتماعی را منعکس کنند. اما مقاومت دلیرانه مردم ما در راه پیمائی روز یکشنبه نشان داد که ارتجاع وابسته به امپریالیسم برای رسیدن به هدف خود و تحکیم سلطه خویش راه دشواری در پیش دارد.

پیغام امروز

جریان روز

پیغام امروز، دوروز منتشر نمی شود

فردا، بیست و یکم رمضان، سالروز شهادت مولای متقیان علی (ع) و روز سوگواری شیعیان است. به همین مناسبت پیغام امروز منتشر نمیشود. روز پنجشنبه نیز بدلیل تعطیلات تابستانی روزنامه فروشها پیغام امروز منتشر نخواهد شد.

مجلس خبرگان ۲۸ مرداد آغاز بکار خواهد کرد

وزیر کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد مجلس بررسی نهایی قانون اساسی روز یکشنبه ۲۸ مردادماه با پیام امام خمینی آغاز بکار خواهد کرد. در نخستین روز گشایش مجلس مراسم انتخاب هیئت رئیسه موقت و دائم و همچنین ادای سوگند نمایندگان انجام خواهد شد و سپس شور اول کمیسیون های مدت ۴ روز تشکیل خواهد شد. مجلس در روز عید فطر تعطیل میباشد.

وی درباره راهپیمایی خونین روز یکشنبه گفت: جبهه دمکرات ملی قبل از راهپیمایی نامه ای به وزارت کشور ارسال داشت که چون بدون امضاء و شماره نامه پسود پذیرفته نشد. با این حال تعدادی از افراد نیروهای انتظامی را در راهپیمایی بسیج کرده بودیم ولی وظیفه ای به آنها محول نشده بود.

نزیه اعتصاب در صنعت نفت را تکذیب کرد

حسن نزیه رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران که در راس هیات مدیره شرکت برای رسیدگی به مشکلات صنعت نفت و کارکنان آن به خوزستان سفر کرده، شایعه شروع اعتصاب در صنعت نفت را تکذیب کرد. نزیه گفت: موجبی برای اعتصاب وجود ندارد و تفاهم کامل بین ما و کارکنان صنعت نفت موجود است.

شورای موقت متحصنین اورامانات:

برای جلوگیری از برادر کشی متحصن شدیم

شورای موقت متحصنین اورامانات طی تلگرافی به امام خمینی خواستار اعزام هیاتی برای بررسی شد. متن تلگراف چنین است:

چون در منطقه اورامانات وجوئورد عدهای فرصت طلب و پسماندهای رژیم متفرد پهلوی میخواهند حوادثی نظیر نقده و مریدان را تکرار نمایند، لذا بمنظور جلوگیری از هرگونه درگیری و برادر کشی کلیه مردم منطقه از تاریخ ۵/۱۸ در اردوگاه «قوری قلمه» دست به تحصن نامحدود زده اند. از آن مقام رجبری قاطبانه استدعا داریم که هیاتی به منطقه اعزام تا از نزدیک با مسائل و مشکلات منطقه متحصنین روبرو شده و نسبت به رفع آنها اقدامات عاجل بفرمایند.

موضوع و مسیر راهپیمایی ها باید به اطلاع دولت برسد

دیروز وزیر کشور اطلاعیه زیر را صادر کرد: دولت از حوادث عصر یکشنبه ۵/۲۱ که به بهانه خواستاری آزادی مطبوعات، تظاهرات خفونت آمیز و درگیری های نامطلوب رخ داده است متأسف می باشد. چنین تحریک و درگیری ها جزئی از توطئه های ضد انقلاب و خلاف امنیت و مصلحت مملکت بوده و موجب تششت و تفرقه می گردد، بدیهی است که ابراز عقیده و تظاهرات مسالمت آمیز برای گروهها و دستجات سیاسی در کشور آزاد می باشد، ولی باید با اطلاع قبلی مقامات مسئول دولتی و تعیین موضوع و مسیر راهپیمایی بوده و بدون حمل اسلحه سرد و گرم باشد و از اعمال خلاف قانون مانند سدره توقف و تغییر مسیر، مزاحمت و اهانت نسبه به اماکن و اشخاص جدا خودداری شود از کلیه هموطنان و احزاب و گروه های سیاسی انتظار داریم مانع ابراز عقیده یکدیگر نگردیده، در اطاعت از قانون و پاسداری انقلاب کوشا باشند. متخلفین از دستورات فوق و معرکین مورد تعقیب قرار گرفته، به اهداف گامهای صالح معرفی می شوند.

یکروز و هشت

بقیه از صفحه ۱

واژگون ساخته، سپس با تصمیم جمعی حمله رایبه عصر ماکول ساختند. اما هنگامیکه قصد خروج داشتند، باقی مانده مهاجمین خود را به دفتر رسانده و باهم شروع به تخریب و بهم زدن دفتر نمودند. حمله کنندگان تمامی جزو ها و نشریات موجود دفتر را پاره کرده و بیرون ریختند. پوستر ها را سالم نگذاشته، پرونده ها و آرشیب را مصادره کردند. پول صندوق و برخی اموال دانشجویان معلوم نیست چگونه به سرقت رفته است. موقمی که یکی از دانشجویان معترضانه می گفت: اینها اموال غیر است و تمکک آنها درست نیست. یکی از حاضرین، کارت کمیته خود را نشان داد و گفت: ما از کمیته آمده ایم. غارت دفتر بیشتر از نیساعت طول نکشید. در این میان «صادق» رئیس امور عمومی دانشگاه تهران سراغ دستگاهها و ماشین چاپ را می گرفت. و خطاب به اطرافیان می گفت: «باید دستگاه های چاپ را پیدا کنید». مهاجمین پس از فراغت از تخریب کتابها و جزو ها عزم حمله به مراکز سیاسی دیگر را گرفتند.

دفتر دانشجویان پیشگاه دومین مقصد بود اما وقتی با صف دانشجویان روبرو شدند، دفتر روزنامه مردم را سومین هدف خود اعلام کردند. ولی از آنجا که دفتر روزنامه مردم بسته بود و پاسداران از آن حفاظت می کردند، پسوی ستاد چریکهای فدایی خلق، واقع در خیابان دهکده سر ازیز شدند. تعدادی از مهاجمان که در دفتر دانشجویان باقی مانده بودند، جزو ها را پاره می کردند و کسانی را که در دستشان جزو یا کتابی یا اعلامیه ای می دیدند دوره گردی از وی می گرفتند. چندین نفر که عکسبرداری می کردند، مورد حمله قرار گرفتند و دوربین یکی از آنها را شکستند. و فیلم دوربین بقیه را در آوردند. کنار دروازه کشیده فنی چند نفر مشغول کنترل کسانی بودند که از دانشگاه خارج می شدند. چند مأمور کمیته یا اسلحه مشغول گشت در محضن جلوی دفتر دانشجویان بودند. و چندین نفر سعی می کردند با فشاری به کمیونست ها محیط را متشنج سازند. ستاد چریکهای فدایی خلق مهاجمان پس از ورود به خیابان دهکده، در حالی که چوب بست داشتند و شعار «حزب فقط حزب الله» می دادند ساختمان چریک های فدایی خلق را محاصره کردند.

ابتدا از بالای دیوار حیاط داخل شده و بسته هایی را که حاوی کتاب بود وسط حیاط ریخته و پاره کردند. بایسته بودن در ساختمان شروع به شکستن شیشه های ساختمان نمودند. افراد درون ساختمان که از هجوم تحریک شدگان اطلاع داشتند قبلا وضعیت اضطراری خود را به کمیته مرکزی از طریق تلفن اطلاع داده بودند. تا آخرین لحظه حمله، خبری از حضور افراد پاسدار در آنجا نبود. در ضمن وسایل ضروری ساختمان را مسئولین ستاد خارج ساخته بودند. مهاجمین در جستجوی افراد درون ساختمان بودند که آنها با استفاده از درب اضطراری خارج شدند. مهاجمین که ابتدا با ترس به ساختمان حمله ور شده

بودند با اطلاع از عدم عکس العمل مسئولین ستاد وارد ساختمان شده و کندن پوسترها و پاره کردن نشریات و جزو های درون ساختمان را آغاز کردند. آنها کتابها و روزنامه های پاره شده را به خیابان ریختند. و چیزی نگذشت که کف خیابان دهکده ملو از روزنامه ها و کتابهای پاره شد. اگر کسی کتاب یا روزنامه ای سالمی گیر می آورد، مهاجمان با محکم به او می گفتند: «تکذاب جیب، پاره کن، اینجا مال کمونیست ها است». در پارکینگ روبروی ستاد مقدار زیادی کتاب و روزنامه توسط مهاجمان به آتش کشیده شد.

دفتر معلمین پیشگاه پاسداران که بعد از هجوم، در ستاد و اطراف آن مستقر شده بودند باقیمانده اثاثیه ستاد را در چند اتومبیل ریختند و بردند. در این هجوم دفتر معلمین پیشگاه نیز مورد حمله قرار گرفت و کتابها و نشریات آن به خیابان ریخته شد. چند چوب بست که صورت خود را بسته بودند، عابران را از اطراف ساختمان دور می کردند.

جبهه دمکراتیک ملی ایران بدنبال تهاجمات دیروز، جبهه دمکراتیک ملی ایران محل خود را تخلیه کرد و از وضعیت بعدی جبهه خبری در دست نیست.

حزب کارگران سوسیالیست دفتر حزب کارگران سوسیالیست به پیغام امروز خبر داد که ساعت ۲ بعداز ظهر، مهاجمان وعده ای از افراد کمیته به مرکز حزب در خیابان آمل حمله کردند و به تخریب اموال پرداختند. این دفتر همچنین خبر داد که سیمین موحّد جولخانی، کاندیدی حزب کارگران سوسیالیست در انتخابات مجلس خبرگان، در محل کارش، کارخانه قرقه زیا، بازداشت شده و به کمیته راه گرج انتقال یافته است.

خبرگزاری پارس - حزب کارگران سوسیالیست دیروز با انتشار اطلاعیه ای مدعی ششمین موحّد دولتی کارگر کارخانه قرقه زیا و کاندیدی این حزب برای عضویت در مجلس خبرگان از سوی کمیته اسام دوو بجرم پخش اعلامیه در کارخانه دستگیر شده است.

در این اطلاعیه ذکر شده است سیمین موحّد دولتی به منظور اعتراض به اخراجش اعلامیه ای پخش میکرده که دستگیر شده است.

حزب کارگران سوسیالیست در این اطلاعیه خواستار آزادی وی شده است. آخروقت دیشب حزب کارگران سوسیالیست اطلاع داد که عضو بازداشت شده این حزب، آزاد شده است.

مدرسه عالی پرستاری بعد از ظهر دیروز یک گروه از چوب بستستان در مقابل مدرسه عالی پرستاری واقع در خیابان دکتر شریعتی اجتماع کردند و خواستار ورود به آنجا بودند. این عده معتقد بودند که افرادی از داخل ساختمان، شعاری برخلاف شعار های آنها داده اند، چند نفری هم می گفتند از داخل ساختمان پسوی آنها سنگ پرتاب شده است. از داخل مدرسه از کمیته کمک خواسته شد. و پاسداران پس از ورود به مدرسه چند تن را دستگیر کردند و بردند.

عصر دیروز در جریان یک هجوم خوشنودن بار، در روبروی خیابان ۱۶ آذر دو دختر با چاقو مجروح شدند. مهاجمان به زنان

بی حجاب و حتی به دخترانی که روسری توری داشتند حمله میبردند و بر روی آنها تف می انداختند.

هنگام حمله متهاجمان به زنان بی حجاب، پاسداران به کمک دختران آمدند و آنها را در میان گرفتند و در یک مورد پاسداران برای نجات دو دختر آنان را بداخل مینی بوس مستقر در آن محل بردند اما مهاجمین به مینی بوس حمله بردند و باطل دادن آن سعی کردند مینی بوس را واژگون کنند در این لحظه پاسداران پیاده شده و با تیراندازی هوایی مهاجمین را متفرق کردند.

یکی از افرادی که شاهد این اقدامات بود، گفت: آنچه که در راهپیمایی روز یکشنبه دیدیم وحشت و تشنجی که گروه های فشار امروز می کردند کوشیدند در خیابانها بوجود آورند. نشان داد که دولت قادر نیست جلو هرج و مرج را بگیرد و با گروه های انحصار طلب مقابله کند.

شخص دیگری می گفت: این اقدامات بجای آنکه حیثیتی برای دولت و شورای انقلاب دست و پا کند، به آنها ضربه می زند و تضعیفشان می کند.

گذشته از خیابان انقلاب، خیابانهای دیگری که ستاد های سازمان های سیاسی در آنها قرار داشت، وضعیتی پر تشنج داشتند.

چند سازمان سیاسی به عنوان اعتراض به هجوم های دیروز، اعلامیه هایی منتشر کردند.

اتحاد چپ

حملات امروز انصار طلبان، اویاش رسمی و فاشیست ها دست در دست سپاه پاسداران و کمیته های کتاب فروشی های خیابان انقلاب، به دفتر پیشگاه، به دفتر سازمان پیکار، حمله به ستاد چریک های فدایی خلق و جبهه دمکراتیک ملی دوخته را روشن ساخت، که بدون آن ایمن فاشیست ها قابل تصور نیستند: یکم اینکه آنها از مدتها پیش دست انداز کار قرار گرفتن حمله ای بودند، دوم اینکه اینان در انصار طلبی خود بقدری مغرورند که حتی تحمل انجام یک تظاهرات موفقیت آمیز نیرو های مخالف را نمی توانده داشته باشند. لکن این حملات صف بندی از تجماع نیرو های انقلابی را مشخص تر خواهد کرد و مشخص تر شدن این صف بندی چه در کوتاه مدت و چه دراز مدت به نفع نیرو های چپ و رادیکال دمکرات است.

جمعیت آزادی

فلا نرسم حمله جدید را آغاز کرد، پس از حمله وحشیانه فلا نرسم و متحدانشان به صفوف تظاهرات نیرو های مترقی در راه پیمایی جبهه دمکراتیک ملی، ظهر امروز (دوشنبه) حمله به محل ستاد چریک های فدایی خلق، مرکز دانشجویان مبارز و کتابفروشی ها آغاز شد.

همانطور که در بیانیه ۱۸ رده هشدار دادیم. این حملات ارتجاع صیاه قابل پیش بینی بود. اکنون لحظه مقاومت پی گیر همه نیرو های مترقی و همه آزادی خواهان فرا رسیده است. در اتحاد و هماهنگی گسترده علیه توطئه های مشترک فلا نرسم و امپریالیسم جهانی، باخیزید. این فراخوان جمعیت آزادی به همه نیرو های چپ و مترقی است. و منبخت و توك، قندب.

کارگران بستی

بقیه از صفحه ۱

آزادی خواهی شایسته این است که دست از اعتصاب غذا بردارید، تلاش ما برای آزادی همکاران هربند، از سرگیری انتشار آندگان و افشای توطئه های که علیه ما می شود، ادامه دارد. **حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران** حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران در اطلاعیه ای خواستار آزادی بی قید و شرط کارکنان و نویسندگان آندگان شد. متن اطلاعیه را می خوانید:

مردم مبارز و غیور ایران اشغال نظامی روزنامه آندگان و توقیف اعضاء هیئت تحریریه و برخی از کارمندان این روزنامه مبارز به ضرب و زور مسلح در سایه شوم بی قانونی تمام و هجوم کسانی که قرار است مدافع و پامدار انقلاب باشند، به زبان و قلم انقلاب یعنی مطبوعات، به سوز و هتداری است به کلیه اقشار، طبقات و خلقهای ایران که:

آزادی، این بزرگترین دست آورد انقلاب در خطر است، و با به خطر افتادن آزادی، خود انقلاب در خطر است.

خود انقلاب ستاد آزادی مطبوعات را اشغال کرده و مبرود که بر کلیه دست آوردهای درخشان انقلاب غصبان بکشد.

اگر سنگر آزادی، یعنی آزادی مطبوعات را از دست بدهیم اگر اجازه بدهیم که زبان ما را بپرند، قلم ما را بشکنند، در واقع نذرتنها به آرمانیهای دهها هزار شهید عزیز ضیافت کرده ایم بلکه زمینه را برای از میان رفتن نسل دیگری از مبارزان را، آزادی بس و وسیله دشمنان مرتجعین و ضد انقلابیون آماده کرده ایم.

مردم انقلابی ایران، قوه های زمختش: صا از اقلانی که علیه روزنامه آندگان، روزنامه های دیگر به وسیله - عناصری که هویتشان روز بروز برای ما و شما روشن میشود پهل آمده اند، از جبار و نفرت میکنیم و با تمام روزنامه نگاران، نویسندگان و با کلیه آزادی خواهان و روشنفکران واقعی کشور، و با تمام اقشار طبقات زحمتکش هم قسم شدیم تا اجازه ندهیم زبان آزادی، پریله شود، قلم آزادی خواه شکسته شود و روزنامه های مستقل، ملی، انسانی و انقلابی، در زیر هجوم مشی بی هویت از عرصه تاریخ ایران ناپدید شوند.

ما میگوئیم: قلمها را نشکنید، آزادی را قذف نکنید، سانسور را از دروازه های ایران به بیرون بیندازید، خفقان را در زباله دان تاریخ بپفکنید. سکوت را به شعور، سکوت را به شور و تحرک تبدیل کنید. آندگان را آزاد کنید، نویسندگان آندگان را بدون قید و شرط آزاد نمایید و مسجونین فاجعه را به عزای اعمال خود برسانید.

ما میگوئیم: انقلاب را ادامه دهید.

با یکپارچگی و وحدت عمل از آزادی دفاع کنیم